



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

مامل ، متن قوانین - تصویب نامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنا
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخشنامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سؤالات

سال ششم - شماره ۱۵۰۳

صفحه ۱

پیر، شنبه

۴ شنبه ۳۰ فروردین ماه ۱۳۲۹

دوره شانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۲

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

صورت مشروح مذاکرات دوازدهمین جلسه دوره
۱۶ مجلس شورای ملی از صفحه ۱ تا ۱۶
آگهی های رسمی ۱۶ تا ۱۷

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۲

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه بیست و چهارم فروردین ماه ۱۳۲۹

فهرست مطالب :

که بمنزله شریان اقتصادی کشور در بعضی جراید دیگر هم يك كلمه ای مثل دویت بکار برده اند در صورتیکه بنده اصلاً چنین کلمه ای نگفتم و بطور کلی خواستم بگویم که اگر آقایان از خارج خواستند نسبت به نطقهائی که این جا میشود اطلاعاتی بدست بیاورند همین صورت جلسه ها که گاهی غلطهائی که دارم میگویند باز هم بهترین جائی که نطق ناطقین ایراد میشود در همین صورت جلسه است .

نایب رئیس - این اعتراض بصورت جلسه نبود آقای ارباب .

مهندس ارباب - هر چند تذکر بنده شاید این جا مورد نداشته باشد ولی در روزنامه اطلاعات دیدم که يك نکته ای بنام بنده تذکر داده و آن این است بنده اظهار کرده ام خدا ذلیلش کند این کلمه از دهان بنده بیرون نیامده و چنین اظهاری نکرده ام .

نایب رئیس - همانطور که خودتان فرمودید مربوط بصورت جلسه نبود ، آقای مکرّم .

مکرّم - جزو غائبین بدون اجازه اسم آقای ضمد سود آور برده شد ایشان در موقع تعطیل برای معالجه بخارج رفتند همانطوری که مقام ریاست متذکر شدند البته باید با اجازه قبلی میرفتند ولی ایشان تصور میکردند در مدت تعطیل میتوانند معالجه کرده و برگردند حالا بوسیله بنده تقاضای مرخصی کرده اند استدعا میکنم جزو غائبین بدون اجازه محسوب نشوند

نایب رئیس - بعد از تصویب کمیسیون محاسبات اگر موافقت کرد اصلاح میشود ، آقای آشتیانی زاده .

آشتیانی زاده - بنده میخواستم بهرستان برسانم در جلسه گذشته با اینکه جناب آقای نخست وزیر هم لطف فرمودند و از اکثریت مجلس هم تقاضا کردند که بنده اجازه نطق داده بشود معذک يك صند بی لطفی فرمودند حتی آقای گنجه ای هم فرمودند

شده که بنده در ایام عید رفته بودم بخراسان و بنده نرفته بودم سایر آقایان رفته بودند .

نایب رئیس - تصحیح میشود ، آقای آصف .
آصف - آقای سنجی رفته اند بمسافرت و از کمیسیون هم تقاضای مرخصی کرده اند استدعا میکنم که غیبت ایشان را موجه محسوب بفرمائید .

نایب رئیس - تا مرخصی تصویب نشده است بی اجازه محسوب میشود وقتی تصویب شد تصحیح میشود و بنده میخواستم استدعا کنم که آقایان اول مرخصی را بگیرند (صحیح است) بعد استفاده کنند والا غایب محسوب میشوند . آقای ناظرزاده .

ناظرزاده کرمانی - عرض کنم وقتی این جا نطقهائی ایراد میشود آقایان مخبرین جراید نمیتوانند همه را بنویسند و یادداشت کنند گاهی بعضی اشتباهات در این نطقه ها هست که ممکن است ایجاد سوء تفاهم نماید در عرایض پررئوز در مجلس عرض کردم که کارخانه های قالی بافی کرمان بمنزله شریان اقتصادی آنجا بوده تعطیل شده در بعضی جراید نوشته شده

۱- تصویب صورت مجلس

نایب رئیس - صورت غائبین قرائت میشود .
(شرح ذیل قرائت شد)
غائبین با اجازه - آقایان : فرهودی ، مرتضی حکمت ، محمد ذوالفقاری ، سلطانی ، محمد تقی برومند غائبین بی اجازه - آقایان : حسین خاکباز ، صفوی منصف ، قهرمان ، ابریشم حکار ، سالار سنجی ، حسن اکبر ، معذل ، محسن طاهری ، سود آور ، کوراهلی ، نصرتیان ، محمد حسن افشار .
دیر آمده بی اجازه : آقای تولیت ۳۰ دقیقه
نایب رئیس - آقای نبوی .
نبوی - در صورت جلسه قبلی اظهارات بنده نوشته اند که بنده ایام عید بخراسان رفته ام بنده اینطور عرض نکردم سایر آقایان رفته بودند خراسان چون خالی از حقیقت بود این را عرض کردم .
نایب رئیس - آقای نبوی اعتراضی که فرمودید بنده متوجه نشدم .
نبوی - تکرار میکنم در صورت جلسه ذکر

• من مذاکرات مشروح دوازدهمین جلسه از دوره شانزدهم قانونگذاری

«لایحه تقدیمی و تحریر صورت مجلس»

نایب رئیس - آقای آشتیانی زاده این را جاع بصورت جلسه نیست.

آشتیانی زاده - بعد از صورت جلسه دستور شروع میشود و جریان جلسه گذشته تجدید میشود.

نایب رئیس - الان در این جا جناب عالی در ردیف اول اسم نویسی کرده اید و صرف نظر فرمودید.

آشتیانی زاده - بنده صرف نظر نکردم.

نایب رئیس - حالا نوبت آقای شوشتری است اگر ایشان موافقت کردند ممکن است شما صحبت بفرمائید ولی بعد هم نوبت شما در ردیف مخالف باز است میتوانی ثبت نام بفرمائید.

آشتیانی زاده - الان نوبت بنده است.

نایب رئیس - اگر آقای شوشتری اجازه بفرماید ممکن است حق تقدم بجناب عالی داده شود ولی بعد از ایشان نوبت بجناب عالی داده خواهد شد.

آشتیانی زاده - نوبت بنده است اگر ایشان موافقت بفرماید البته بنده صحبت میکنم.

نایب رئیس - دیگر اعتراضی نیست؟ (گفته شد خیر) صورت جلسه تصویب شد اگر آقایان اجازه بفرمایند امروز از نطق قبل از دستور صرف نظر بکنیم (صحیح است) برای اینکه تکلیف دولت زودتر معلوم شود نوبت مخالفت آقای شوشتری است بفرمائید آقای شوشتری.

۲- طرح برنامه و مذاکره در اطراف آن شوشتری - اگر آقا اجازه بفرمائید (اشاره بآقای آشتیانی زاده) باز هم حاضرم ولی بعد از بنده شما میسرید و فرمایشاتتان را خواهید فرمود (خنده نمایندگان) اجازه بفرمائید مطالب من مطبوع طبع شما واقع میشود.

آشتیانی زاده - تعارف حضرت عبداللطیفی است.

شوشتری - تعارف حضرت عبداللطیفی نیست بسم الله الرحمن الرحیم میخواستم از نمایندگان محترم استعفا کنم برای موافقت و برای اینکه اکثریت موافق با دولت است مرحمت بفرمائید اجازه بدهید بنده و آقای آشتیانی زاده آن میزانی که لازم است عرایضمان را بکنیم بنده امروز مریض هستم شاید هم به یکساعت و یکساعت و نیم حرفهای من نرسد و زودتر حرفهای خودم را تمام کنم (عدهای از نمایندگان وقت نیم ساعت است) اجازه بفرمائید میدانم نیم ساعت است دارم استعفا میکنم که اجازه بفرمائید استثنائاً اضافه شود که منعکس نشود در خارج و من بعضی و نکیر بعضی یک پامدوها در یک مجلس شورای ملی همان نمایندگان محترم با یک دولت روی موافقت میکنم و دو ساعت میشود صحبت کرد و مخالفت نیم ساعت این منعکس بحسن اثر در خارج نیست (صحیح است) اگر اجازه بفرمائید اطاعت میکنم اگر هم اجازه نفرمائید بنده مطیع مقررات هستم بنده یادداشتها را کرده ام با اینکه عادت ندارم یادداشت کنم هر وقت حرف باید بزنم مبتکران حرف میزنم ایداماً و ابتکاراً حرف میزنم ولی این جاز نظری که چون غایت کرد بایستی همینطور باشد یک قضیه ای را عرض میکنم یک روزی در دوره پنجم من مخالفت کردم با اضافه حقوقی که برای مسیو یرنی مسامی سپید

تومان آورده بودند به مجلس در صورتیکه من موافق دولت بودم و لایحه دولت بود در ستون مخالف ثبت نام کرده بودم در پشت تریبون مرحوم مدرس رضوان الله علیه قدس سره تصور می کردم من تعیبه کردم ولی بعد که صحبت کردم تشبیه فرمود که خیر اهل تعیبه و دورنگی و دورویی و حقه بازی نبوده آنچه عقیده ام بود مثل این که حالا هم عقیده ندارم به ستشار خارجی الان عقیده دارم که ایرانیان را در دستشان راباز بگذارید دارای این اندازه درایت و فکر هستند که خانه خودشان را اداره کنند بلدند آنچه بن یک عبارت قبضی گفتیم بفرمائید آن مرد که نفهمیدم در خورشان مجلس شورای ملی نبود و نیبایستی این نوع از عبارات در مجلس شورای ملی گفته شود این بود آقای منصور السلطنه عدل که خدا حفظش کند کفیل وزارت دادگستری بود من وقتی آمدم برای مخالفت عرض کردم اظهارات ایشان مردود است این لفت مردود در نظر مرحوم مدرس رضوان الله علیه با این که مخالف دولت بود بمنزله فحش و کلمه بی ادبی در مجلس تلقی شد بعد از ختام عرایض من مرا احضار فرمودند آقای سید احمد بهبهانی رحمت الله علیه صندلیش را خالی کرد من نشستم گفت آقای شوشتری تو بیجه ملائی پس ملائی - خودت نزدیک بسوادی لغاتی که در مجلس گفته می شود غیر از لغاتی است که در دادگستری گفته می شود من مخالف دولت هستم اما مادام که دولت است و مادام که در مجلس شورای ملی هستم باید احترام امامزاده را ما خود نگاه داریم این دولت مال ما است نباید اهانت بآنها بشود این لفت مردود لفت قبضی بود خوب بود میگفتی مطالب ایشان مورد پسند من واقع نشد من نه پسندیدم با موازین قضائی نتوانستم تطبیق بکنم چرا این کلمه را گفتی از آن وقت نصیحت آن مرد بزرگ در گوشم فرو رفته است و امیدوارم در مخالفتی که با دولت جناب آقای منصور می کنم یک کلمه از ادب خارج نشده و حقایقی را که می دانم بعرض برسانم و امیدوارم نمایندگان محترم اگر عرایض مرا پسندیدند و تشخیص فرمودند که برای مصالح مملکت و ملت است مورد توجه قرار بدهند بدو باز هم باید به بعضی از آقایان مخبرین بگویم که هر قدر مرا و بشکون بگیرند منم قفل قلمی میدهم یکی از آنها منوید با صدای خشن اگر صدای من به بعضی از گوشها نرسد است صحیح است که من شوشتری هستم اما نباید پشت تریبون دستگاه همایون بخوانم و بعد بیداد و بعد منصوری و شوشتری و ابوالج و بختیاری و لیلی و معجون همه را میدانم خیر صدای من اینطور است من از یک طرف شوشتری هستم از یک طرف گر گانی و اما اینکه فرمودید مویش سفید است و رویش سیاه است چه کنم سر دو گرم این مملکت رویم را سیاه کرده است و مویش را سفید مثل بعضیها دارای زلف مجعد و ابروی معمّل لب میگون رخ گلگون نیستم باید مصالح مملکت را رعایت کرد حالا وارد مطلب می شوم در مقدمه برنامه جناب آقای منصور دولت آقای منصور عباراتی را فرمودند و در نام برنامه لغاتی ثبت شده است و عباراتی تنظیم شده است که به عقیده من از نظر صورت زیبا است

و از نظر منی بی معنی نتیجه ای که باید بسرای مملکت آنا گرفته شود از این برنامه گرفته نمیشود من خیلی مطالب دارم بن هم نصیحت کردند تشنج ایجاد نکن خدا مرا پرو بآتش بیاندازد اگر بشوایم یک رفته برای این مملکت تشنج ایجاد بشود بدات پروردگار هم وقت آرامش و آسایش این مملکت را در نظر گرفتیم نصیحت و امر آقایان را قبول میکنم از گفته های اساسی که قطع و حتم دارم پشت این تریبون بگوش دنیا خواهم رسانید عجالتاً صرف نظر میکنم که دولت حاضر واقع شود در اموری که این امور برای پیشرفت منظور خدمتگذارشان سدی ایجاد کند و دو قرن است مملکت ما دارای تشنجی است این تشنج طبیعی نیست مصنوعی است اما چه جور و به چه کیفیت میباید تشنجات در قلوب مردم ایجاد و افعالی میکنند و افعالی از آنها ناشی میشود در صورتی که خود نمیدانند چه کرده اند و چرا کرده اند و چرا میکنند الهام از غیب گرفته الهام از خود گرفته الهام از آنان گرفته معرک خارجی داشته معرک داخلی داشته نیست آقای اورنگ میگوید مرحوم ادیب پیشاوری رضوان الله علیه این شعرهایی که من میگویم مترسم یک روزی برگردد این معنی بخودم که اینهم تحریر خارجی بوده مثلاً من نظرم این است که در قتل مازور ایبری که در آن پرونده جناب تیمسار سید یزدان پناه اینجانشته اند سیدی که کشته شد جزء آن قتل بود که با لیوان شکسته یازده ضربه زده بود بان مهمان خارجی بر خلاف اینکه ایرانی مهمان دوست است ایرانی خارجیا را با نظر تساوی نگاه میکنم که بهیچ مذهب پرستی و بهیچ دیانت رسمی اگر هم مسلمان باشی بهیچکس اسائه نشود این حالا نیست بعد از اسلام است قبل از اسلام هم همینطور بوده از کلیسیا باید پرسید که حفظ آنها را زیر لوای شیرو خورشید چه شده این ملت ایران مهمان نواز است آموکش نیست دیگری کشت مازور ایبری را من خودم شوال کردم از آن سید آقا چرا همچو کردی سید جان بهیچ مناسبت اینکار را کردی گفت قاتل جدم را کشتیم گفتیم وه جد تو هزار و سیصد و چند سال قبل در کربلا کشته شده شمر کشته جد ترا چه ربطی دارد به مازور ایبری گفت نه مازور ایبری کشته دیدم بهیچ تبلیغ مرموزی است بهیچ دوست عجبیبی است در کار سقاخانه را درست میکنند خدا لعنت کند آن کسی را که معتقد است سقاخانه معجز میکند معجزه چه چیز است اسلام هاری از این حرفهای واهی و خرافات است اعجاز نبی میکند در زمانی برای مردمی که اتیان بشل او را دیگران نتوانند کردن سقاخانه معجز کرده یعنی چه آنوقت قتل یکنفر نماینده یک کمپانی که آمده در مملکت درخواست نفق بکند او کشته بشود موضوع تمام بشود بعد هم معجزه تمام شد سقاخانه تمام شد الگو و گوشواره پولهای مصنوعی علمهای مصنوعی کداده میشد تمام شده مان سیاست مرموز ملعون دو دست سالا وضعیت را طوری کرد که من بیابم اینجا بیستم بگویم ای جناب علی منصور ای علی هیت ای مرتضی یزدان پناه آقایان وزراء والله تالله باید هر علت و

معلولی را هر دو راستیج علت را که درک کردید معلول میروند از بین سهل است و متنوع سیاست اداره کردن مملکت ایران سهل است و متنوع سهل است اگر چه بکند اراده داشته باشد همت داشته باشد توکل داشته باشد اذ از همت فتوکل علی الله توکل داشته باشیم بعد عمل و اجرا بکنیم اگر این چهار رکن را دقت کردیم در سیاست پیش میرویم اگر این چهار رکن را پایه و مایه و سرمایه و فکر اساسی خود قرار دادیم امروز عرض کردم بطور اشاره میگویم جناب آقای منصور این اوضاعی کدر مملکت پیش آمده یا از قدرت و توانائی شما ساخته است که در پ سفارتخانه ها رابیندید بروی مردم غیر مسئول که وارد نشوند در آنجا من حق ندارم بروم چه وضعیت تشنج فکری ۰۰۰ والله ایرانی آدمکش نیست من متعصبدر مذهب اما کلیبی که در کاشان بعنوان بهائیت یا هر چه کشته میشود باید علت غائیش را پیدا کرد کاشی را که همه خوب میشناسند خوب این مرد که ۲۰ سال آنجا بود اگر خوب بوده همین بود اگر بد بود همین بود باید ریشه اش را پیدا کرد که چه شده در این مملکت اقلیت و اکثریت پیدا میشود کدام اقلیت میتواند باین مملکت خیانت کند (زنك نایب رئیس)

نایب رئیس - خواستم بگویم اقلیت در ایران در کمال آسایش است و حقوقش محفوظ است (صحیح است)

شوشتری - صحیح است هیچ حرفی نیست باید همه ببینیم علت اینکه در خارج منعکس میکنند که آن اقلیت است و آن اکثریت اینها را باید پیدا بکنیم بنده در ناصیه دولت حاضر ۰۰۰ البته جناب آقای منصور را مردی عاقل، مردی فهم، مردی توانا و مردی قدر زور کار میداند اما با این همه فرضیات آقایان از عقل و متانت این آقایان دور است و از اندیشه و فکر که قانون درست نمیشود یک حمله لازم دارد به شب فکر دارد به شب توجه بدهد دارد به شب از خود گذشتگی دارد آقا میتوانی از خود بگذری میتوانی بدینا اعلام کنی که ما یک ملت آزادی هستیم روی طلا داریم راه میرویم فقر و بیچارگی و بدبختی مملکت برای اینکه استثمار و استثمار طامع دیگران نبخواهد بگذارد که ما از این نعمای الهی و این اندوخته های زیر زمین و روی زمین بهره مند شویم و باین صورت در آمدم به چهار شب قبل رفتم در مغازه پارسی خدایا من خیلی میروم آنجا هر کس در ایران است باهاش رفیق میروم آنجا به نفر آدم آمدند آن تو پول مطالبه کردند برای شام شب در عباراتشان احساس کردم خراسانند از آنها پرسیدم اهل کجا هستند گفت اهل کاشمر آقای عماد تربتی گفت اهل کاشمر گفت ما شاعران باین جوانی و باین رهنائی چرا آمده ای گدائی میکنی چرا دست درپوز کسی دراز میکنی گفت آقا یک عده ای آمدند آنجا بما گفتند یا شوید بروید تهران روزی ۴۰ ریال بهتان حقوق میدهند ما آمده ایم این جا حالا کرسنه ایم آیا کاشمر خراسان که باین صورت در آمده آذربایجان

هزیر - این ملت زنجان کردستان جنوب ایران تمام ارکان ایران که باین فقر و مسکنت و بدبختی در آمده آیا این طبیعی است بذات پروردگار این طبیعی نیست نمیتوانم صحبت کنم نه نه باید بگویم هر که میگویم هر چه میگویم برای رضای خدا میگویم برای این که ملت ایران این را میخوانند بگویم جناب آقای منصور سن خود را کردی موی من هم سفید شده است باید فدا کاری کنیم بیایید بدینا اعلام کنیم مایه بختیم مایل پیروزی بودیم نباید اینطور سرمایه بیاورید چرا باید بیاورید این حرفها چه جز است اگر مر می انداختیم به بخشید آقای سید جلال الدین تهرانی به بخشید اگر رمل مبادنا ختم می گفتیم این تحریرات از شکل نصرت الداخل است با نصرت الخارج در راهات رمل است یاد رنای رمل در شکل لعیان است با شکل انکیس اما برای اینکه دولت ایران را ۰۰۰ شخص پادشاه دوم رتبه شرفیاب شدم او را پادشاه جوانی دیدم که میخواهد بشام معنی باین مملکت خدمت کند با سفارت میروم (صحیح است) دنبائی از او استقبال می کنند بر میگردند بمنعکس میکنند با حلو و احلاو حلوا مسل و نقل و نبات گفتن دهن شیرین شده است می وعده می وعده می دروغ می دروغ چرا هر کر آنجا که دروغ نمیگوید آنها که همان نوازی میکنند دروغگو نیستند باید به ببینیم این از کجا است و این وضعیت از کجا آب میخورد هسته مرکزی این سعایت ها کجا است آنجا را باید پیدا کنیم این کلیات عرایض من است اما جناب آقای منصور در تمام اموری که بعد از شهریور واقع شده است شما وارث همه آن امور نیستید نه اما وارث تبی هستید وارث علی الاصول نیستید وارث علی الاصول دولت گذشته اید وارث تبی دولت های گذشته هستید برای اینکه بنده هیچوقت دولت نبودم که وارث تبی باشم وزیرم نبودم شماها که بوده اید وارث تبی هستید وارث علی الاصول دولت گذشته هستید بنده مقداری اینجا یادداشت دارم مرحوم رها شاه در زمان خودش بودجه ای داشت کارهایی توی این مملکت شده است خط آهن کارخانه ها آب و تمام آن اصلاحاتی که هر مخالف و معاندی یک زرمه اش را نمیتواند انکار کند هیچ آقا مقایسه میکنم بودجه آنروز مملکت را با بودجه امروز مملکت چه جور از آن بودجه استفاده میشد با اینکه همه ناراضی بودند راست هم میگفتند و البته مأمورین املاک و البته مأمورین ولایات نسبت به مردم تعدی می کردند و این تعدی هم باز از نقطه همان دست مرموز بود که دیدند این شاهی که سصد سال مثل او برای مملکت نیامده انداختند در اطرافیان فکری و یک وضعیتی که برای آن خدمت شهریور را درست کردند و البته در ضمیر و در ماهیت و در عمل و در فکر آن پادشاه همه اش خدمت بود چه طور شد که تمام این خدمات را منعکس کردند چه طور شد آن بودجه بود حالا هم بودجه است بودجه چقدر است شنیدم ۱۲۰۰ میلیون تومان بودجه تهیه شده است باز هم برای این بیکارهایی که ۰۰۰ به بخشید کارمندان دولت من هیچوقت حمله بصحیح العمل نمیکند خدا لعنت کند آن تصویب نامه را که آمد خراب کرد تمام قضات عالی رتبه تمام مأمورین حسابی تمام خدمتگذاران واقعی همه مأیوس رفتند از بازار یکدسته که زرع می کردند آوردند پایه ۸ و ۹ و ۱۰

جناب آقای منصور بنده خودم بعد از سالیان در از همین جناب آقای حاج آقا رضای رفیع یکی از پیشنهاد دهندگان بود آمدند برای تأمین حقوق من گفتند خدمات من را در آستانه قبول قبول کنند مجلس قبول کرد وزیر دارائی وقت مشرف الدوله قبول کرد در وقت پایه دادن يك مأمور آخر يك بهی ای که يك وقتی در حکومت مرحوم امیر طهماسبی سلبان آقای خسروی که در وزارت کشور است در آنجا بود سیرده بود که این را هم يك کار بدید در وزارت کشور ماهی ۱۲ تومان بعد از خود ۵۰ تومان رشوه خواستند چون ندارم مرا رتبه ۷ تشخیص دادند (بهاری - حالا که رتبه ۹ هستی نه حالا هم رتبه ۹ نیست از پایه صرف نظر کردم اصلا رتبه ندارم بله اما مایه دارم اگر پایه ندارم توجه فرمودید خوب آن تصویب نامه آمد پس کارمندان دولت آنان که صحیح العملند آنانکه باید تشویق بشوند آنانکه باید اعتماد بنفس خود داشته باشند که هر وزیر دلخواه هر لاطائل گوهر مرضی نیاید و راز از پشت میز بردارد و بگوید برو بآنها کار ندارم آیا این بودجه ۱۲۰۰ میلیون تومان صرف اغراض و امیال يك عده ای نمیشود که بیایند بودجه را آقا فلانجا بودجه کار فلانجا بودجه بهداری فلانجا بودجه کجا بیایند بسازند حسن و حسین وزیر بسبیل مأمور چرب شود رشوه باز داده شود این راز از کجا باید داد اینکار را کی باید اصلاح کند آقا این معانی هست میباید يك عده ناراضی می شود از دواثر غله دواثر غله هر کجا توانستند هر قدر توانستند مگر اینکه از قدرتشان خارج بود مردم و مالکین و زارعین و دهاقین تمام را صدمه زدند رشوه گرفتند از حیث انداختند اما با تمام این معایات ادارات غلات باید منحل شود نه خرید غلات (صحیح است) خرید غلات اگر منحل شود الان در گرگان شاید قریب صد هزار هکتار زیر زرع است و عملی که شده است یعنی باید برود مثل همان مردی که گوش را توی میدان سبزه میدان مختار السلطنه کوید احمد آذری بردش آنجا چوب بست آقا برود بدهند گندم هایشان را با آنها معامله کنند هیچ کار کرده اید که چه وضعیتی برای مملکت درست میشود مملکت داری غیر از هوچیگری است مردم باید تأمین بشوند البته مالکین میروند میکارند امیدشان این است که صد هزار تن دوست هزار تن دولت از آنها میاید میخرد آنها هم میروند کشت میکنند آنجا هم مغل این جاش مغل آنوقت این اعضاء ادارات را از ریش بلند کن بسبیل بچسبان برف بچسبان پس گردن زلف پشت گوش اینها را که بیرون نمیکند وضعیت آشفته و درهم ریخته سطح کشت میباید باین يك صورتی میشود که بعد نمیدانم در این مملکت چه میشود روزی مرا خواستند آقای فریدونی که در وزارت کشور حاضر است در کابینه آقای قوام بود بنده را در وزارت کشور خواستند که آقا بیایید در يك کمیسیون اظهار نظر بکنید رفتم آنجا دیدم آقای اهراز يك به آقای شهر دار تهران و همه مدیر کلها همه نشسته اند اظهار داشتند جناب اشرف آقای قوام فرموده اند که نان

شود برین باید اینطور بشود و ضعیف اینطور بشود و سستی گوش نمی‌کند جناب آقای منصور آنروز هم گفت دولت اسرائیل بر سبب شناخته می‌شود باید بشناسید یا نباید بشناسید مصالح ملک را دولت ایران با استقلال فکر باید هر موقع عمل بکنند نه بار تمیل بشود ما هیچ جور حاضر به تعیل نیستیم آیا این بر حسب شناخته شدن با کمیسیون امور خارجه مجلس مشورت شده است؟ من از جناب آقای رفیع شوال می‌گویم آقا شما در کمیسیون خارجه مستبد باشنا آیامشورت شده بود؟ (رفیع) نه مشورت نکردند چرا برای چه تشنج ایجاد میکنند برای چه برادران اسلامیان را مکرر کنیم این عجله بد است باقتل و متانت ما باید ریشی بگیریم سیل ما را ول کنند اگر باید بشناسیم چرا بشناسیم گوش کن آقای کشاورز صدر قربانت بروم من ساده صحبت میکنم من همانطور که ایشان نوشته بودند قلبه و سلبه نه نمیده بود لغت مستمرا بیچاره نه نمیده بود حش بود نباید بفهمد من دیگر قلبه و سلبه نمی‌گویم یواش یواش حرف میزنم هر چه هم بطور مصطلح عادت کرده ام ولو غلط باشد همان را عرض میکنم آقا موضوع اسلام بسط الحقیقه است مربوط برب و معجم نیست این اشتباه را آن روز هم گفتیم برادران عرب ما کردند این پایه ای است که ابوسفیان معاویه و خلفای اموی کردند دیگران هم دارند این را تجدید میکنند اینها حق نداشتند نتیجه اش هم همین است ما که دولت ایرانیم ما که با پاکستان برادریم ما که با مسلمین الجزایر و تونس برادریم ما که با مسلمین افغانستان و عربستان سعودی برادریم و لا تقولون للقی هلیکم السلام لست مؤمنان انما المؤمنون اخوه ما باید در امور مربوط ب مسلمین با مسلمین مشورت بکنیم و جلب افکار مسلمین را بکنیم و یا آنکه مسلمین را بیدار بکنیم که آقا اینها می‌گویند که دین را انحصار کردند و دین را با دنیا قاطی کردند دین با دنیا قاطی نیست اینها ما را با اینصورت انداختند آنوقت هر تصمیمی بگیرد کی مخالف است تصمیم افلاکه تصمیم با درایت تصمیم موجه تصمیمی که قانون گرفته که اگر خواستید دولتی را بر سبب بشناسید باید کمیسیون امور خارجه در آن اظهار نظر کند این چه مانعی داشت چه مانعی دارد یک دفعه دولت آقای منصور واقع بشود در یک عملی که نداند چه بکند؟ این زیباست؟ این پسندیده است؟ البته آنوقت است که تبلیغات هم شروع میشود اینها همین را میخواهند اما ما که این را نمیخواهیم، شما این را میخواهید؟ نه ما اینرا نمیخواهیم ما ملکتمان را ایران را میخواهیم ما ملک خودمان را با دوستی رفاه و آسایش می‌خواهیم، ما ملک خودمان را آزاد میخواهیم که هر ملتی اینجا بتواند از منافع ملک بهره مند بشود و در زیر سایه این ملک مره بشود ملک ما زعم مسلمانی علی بن ابیطالب آن خونریزی را کرد و جنگ کرد برای اینکه یک خلخال از پای یک یهودیه کشیدند اسلام درس داد تا لیم اسلام یا اینکه میگوید دین من خانیات دارد دین من میثاق بر خلاف تمام ادیان چهار پایه دارد علم است یعنی کتاب سنت است عقل است و اجماع

گدر ادیان دیگر نیست این دین هیچوقت گفته نمی‌شود برای اینکه هر وقت هر ملتی در دنیا پیدا شد تازه اول دهرت و محاسن است همانروز که ریشه را برده است بمل امر فرموده مردم بروند علم پیدا کنند در صورتی که در ادیان دیگر تجدید است در یک چنین مملکتی بایک چنین دینی با یک چنین اخلاقی که ما داریم نسبت به هم تمکین داریم لیکن تمکین متقابل تمکین برادرانه ما باید عملی بکنیم که افلاکه باشد عملی که سایر مسلمین دنیا از مارنجش پیدا نکنند و آن دیگران راهم متوجه کنند که برادران عرب ما که منحصراً مسلمان نیستند اگر بنا بشود آنها دوست با انحصار بر نهند ما هم دست میزنیم بفرمایشات رسول الله نمیگویم از شمار بهای می‌ترسیم من میگویم نمی‌ترسیم از این جهت از جناب آقای منصور هم این موضوع پسندیده است که در این قسمت یک غور طبیعی و یک غور اساسی و یک تعقل عملی بکنند و آن صورتی که مصالح ایران و اسلام در زیر آن صورت است این کار را یک سر و صورتی بدهند بنده از رئیس کمیسیون امور خارجه می‌پرسم میگوید من خبر ندارم پس کی خبر دارد کی این کار را میکند کدام دست مرعوزی این کار را می‌کند؟ برای اینکه برای ما دشمن بترشد برای اینکه مسلمانان را بهم بیندازند و همه را با هم دشمن بکنند بنده خیلی مطالب دارم راجع ب وزارت داد گستری هم بعداً می‌آیم در بودجه صحبت میکنم چون فعلاً حال ندارم کسالت دارم و جناب آقای آشتیانی زاده هم که آقا زاده هست نزه میرزای آشتیانی مرحوم است ایشان هم باید نوبت برسد از اینجهت بهمین تذکرات قانع میشوم و منتظرم اگر دولت جناب آقای منصور قدمهای معینی برداشت خدا شاهد است می‌آیم پشت این تریبون تشکر میکنم و میروم دستشان را میبوسم و گرنه جای حرف برای خودم باقی میگذازم (احسن) (بعد از نطق از مجلس خارج شدند)

نایب رئیس: آقای تیمورتاش
تیمورتاش: چون فراکسیون ملی موافقت خودش را با دولت حاضر اعلام داشته است بنده هم طبعاً در صف موافقین وارد شدم و نظر داشتم شاید مطالب بسیار مفصلی در اطراف برنامه صحبت کنم خوشبختانه حسن استقبالی که مجلس از دولت جناب آقای منصور کرد مرا بی‌نیاز از این فکر کرد این حسن استقبال از دوجت بود یکی اعتنای که بشخصه آقای منصور داشته و ایشان راهمیشه مرد مثبت کاردان و مدبری تشخیص داده ام (صحیح است) و دیگر از لحاظ این که دولت تازه ای روی کار آمده است دولتی است که تاکنون عملی انجام نداده است و بنابراین نمی‌شود ابرادی باو گرفت تصدیق میکنم باینکه دولت حاضر همانطور که همکار مخالف محترم فرمودند وارث ناگوار پائی است ولیکن راساً منصرف نیست و کاری انجام نداده است بنابراین تصور میکنم که بایستی دید که چه کار خواهد کرد و چه عملی انجام خواهد داد اگر هم راجع بمتن نطق پیش از نیت است را آقایان محترم قبول نفرمودند من خیال میکنم بیشتر همین لحاظ بود اگر برای دولت گذشته دو

ساعت موقع معلوم کرد باز هم خیال می‌کنم برای این بود که دولت گذشته مدت مدیدی روی کار بود و باید مسئولیت اموری را که انجام داده بود و یا بیشتر انجام نداده بود برهمه بگیرد (صحیح است) منطلق حکم می‌کنم که موافقت بعد از مخالفین صحبت بکنند در این مقام باشند که حتی المقدور جواب او را بدهند خوشبختانه دوست عزیز من آقای شوشتری مخالفان بیشتر جنبه اصولی و انتقاد از اجتماع داشت این انتقاد را بنده هم تصدیق می‌کنم وضع بد است و این را بنده از پشت همین تریبون عرض کردم و باز هم تکرار میکنم که وضع بد است بدی این وضعیت بنظر بنده از دوجت سرچشمه گرفته اول از وضعیت دیانت مثالی است معروف میگوند مرض کوه کوه می‌آید ولی موی روی می‌رود مثل اینکه ما توجه نداریم که دنیا با چه مرضی حادث شده مواجه بوده است مثلاً اینکه ما میخواهیم قبول کنیم که جنگ جهانی در دنیا وجود آمده ارکان دنیا و جهان را بلرزه در آورد کشورهای بزرگ هنوز بعد از چند سال موفق نشده اند که تشخیص بدهند که فاتح کیست مغلوب کیست هنوز در دنیایی که بعد از چند سال مشکلات اقتصادی و مشکلات اجتماعی و دسته بندیهای مختلف هر روز بنحوی عرض اندام میکنند بنظر من این دنیا را بشود آرام قلمداد کرد و گفت ما مستثنی از این دنیا هستیم مخصوصاً که قرن بیستم بعدی سراسر گیتی را بهم نزدیک کرده است که هر گونه انکسار در انقضی نقاط دنیا در تمام جهان منعکس میشود بنابراین، هم فارغ از این جریان نخواهیم بود و نیستیم جبهه دیگر ملت خرابی اوضاع بنظر بنده تحریکات مختلف است این تحریکات اعم از خارجی و داخلی در همدیگر تلفیق میشود و وضعیتی را بوجود میآورد که محل انتقاد را آسان میکند انتقاد کردن امروزه یک قدری مد شده است خوب پیروی از مد هم که لازم است بنابر این، این انتقادات وقتی که شدت گرفت یک حس بدینی، بدگمانی ایجاد میکند که خودش موجب خرابکاری میشود و خود اسباب این میشود که بیشتر مردم نگران مایوس و نسبت بهمدیگر بدین باشند مشکلات هست ولی ما باید بگوئیم و باز هم تکرار کنیم که اراده فائق آمدن باین مشکلات را داریم یکی از مشکلات عمومی ما مشکلات اقتصادی است این مشکل بعد شیاع رسیده و همه هم میدانند پریشانی، فقر، بیچارگی دامنگیر این اجتماع شده است و این حس ناامیدی هم که هر روز بنحوی دامن زده میشود چنان ارکان دولت و ملت را گرفته است که واقفاً همه را سر در گم کرده پیروز راجع بملک موازنه صادرات و واردات خیلی صحبت کردم اینها مسلم است که هست یکی از عوامل این عدم موازنه بنظر بنده بصادق ریخت طاموس آمد بر او مقدار ارزی است که شرکت نفت نه از لحاظ رویالته بلکه از لحاظ تأمین مخارج و پالی خود خدج میکنند در سال هرکت نفت در حدود ۱۵ الی ۲۰ میلیون لیره خرج میکنند پولش را میگیرند بدینی به بانک ملی ایران برای مصارف عادی میفرود بنظر بنده این باید صرفاً بصرف (امامی) استعدا میکنم بلندگو

را جلو بگیرد که صدا بهمه برسد (بنده تصور می‌کردم که صدایم رساست و بهمه میرسد) (امامی بله ولی بعضی تصورات هست که صورت عمل بخود نمیگردد)

این مقداری را که شرکت نفت ب بانک ملی ایران میفرود همیشه کشور مصارف ارزی ما را از لحاظ واردات از این برداشت میکنند و این باعث شده است که صادرات ما تا اندازه عظیم بماند - چیزی که احساس ضرورت و احتیاج باندازه کافی میشود ولی متأسفانه این مقدار گاهی زیاد و گاهی کم می‌شود چونکه بنا بعواصجی که شرکت نفت در ایران دارد گاهی بیشتر میفرودد گاهی کمتر من حدس میزنم اگر عطف توجهی بشود و واقفاً در مقابل واردات صرفاً صادرات بشود حتماً وضعیت اقتصادی ما بهتر خواهد شد و موازنه تجارت هم بیشتر - من عقیده مند ام اگر حتی واقفاً اینقدر هست نداریم اینقدر شهادت و پشتکار نداریم که برای رفع ضروریات اولیه و عوامل تجملی خودش بتواند کار بکند و صادرات را زیاد بکند حق ندارد اینقدر مخارج فراهم کند بایستی وسائل صادرات را در کشور فراهم کند و آن قسمتی را که البته ذخیره ارزی ماست آنرا بیشتر بمصارف تولید و ازدیاد سرمایه بکار ببندد بنظر بنده این حق و حقوقی را که عرض کردم طبعاً بنده را بکنه دیگری متوجه میدارد و آنهم یک نوع دموکراسی وطنی است که در این کشور بعد از شهریور بوجود آمد یک نوع حس صمیمان و استثناء در تمام ما هست اول از خود بنده سرچشمه میگیرد باین معنی که من خیال میکنم باید مستثنی از این جریان باشم کاری که من باید بکنم دیگران نمیتوانند انجام بدهند بنابر این اگر عملی را ولو خلاف قاعده و قانون و رویه باشم نتوانم انجام بدهم که گزاردی میکنم و حتی کم کم باب افترا باب انتقاد باب این مالی باب همه چیز را مفتوح میکنم و حال اینکه دموکراسی واقعی و دموکراسی طبیعی در مقابل هر حق یک وظیفه گذاشته و کسی حق ندارد از آن دم بزند مگر اینکه بوظائفش کاطعاً و قانوناً و با واکدار شده عمل کند بنده تصدیق میکنم که انتخابات تهران بهترین نمونه بی مهری مردم نسبت باین دستگاه بود خود بنده تصدیق میکنم و شاهد واضح بود از طرف دیگر هم این مد جدیدی که اختراع شده است و انتقاد را پایه ارتقاء تشخیص داده اند باینهم من مخالفم و یقین دارم اهالی محترم تهران هم نیک را از بد تشغیل میدهند و حاضر نیستند این ملاطفت و حسن استقبالی که معمولاً میشود از جاده حقیقت و صراحت خارج نشود و بنده بیک بیت قناعت میکنم - هزار نکته باریکتر زمو اینجا است - نه هر که سر تراشد قلندری داند (نورالدین امامی) - به آقای کهید مراجعه کنید (خنه نمایندگان)

این شد انتقاد طبعاً ایجاد یأس میکنند بنظر بنده یأس ام الفساد است دشمنان ایران آقایان جز اینکه شمارا بطرف یأس و حرمان راهنمایی بکنند و مجبور تان بکنند که از همه چیز از همه کس

مأموس بشوید نظر دیگری ندارند (صحیح است) بدلیل آنکه آن زمانی آنها میتوانستند تسلط بر این مملکت بشوند و آن زمانی میتوانستند در شما رخنه کنند که تصور بکنند و بدتر از آن خود شما تصور کرده باشید که قادر بر اصلاح امور خودتان نیستید آنوقت است که شما میروید و تسلط آنها را قبول می‌کنید پس بنا بر این دشمنان ایران آن کسانی هستند که پیوسته حس یأس ناامیدی و بدبینی و لجن مالی و افترا را در این مملکت ایجاد میکنند (صحیح است) آقایان بیاید یک قدری بخود بیایم به بنیم کجا هستیم و چه باید بکنیم مردمی آمده اند قبول مسولیت کرده اند آمده اند با یک ایمانی کار بکنند من نمی‌خواهم بگویم موافقت اید با اینها بکنیم ولیکن اجازه بدهید که افلا نمایش بدهند که چه کاره اند تصور می‌کنم حتی دشمنان منصور الملک منکر این اصل نباشند که او مرد عمل است (صحیح است) از اینکه خود جناب آقای نخست وزیر تشریف ندارند استفاده میکنم چون یکی از دوستانی که با ایشان خیلی آشنائی دارم نمیگفت آقای منصور الملک مثل یک تسمه ای است وقتی دست بزند خیلی نرم است ولی هر چه بکشید پاره نمیشود بنظر بنده این بهترین توصیفی است که در وضعیت ایشان آمده است و خیال میکنم در وضع موجود یک همچو آدمی لازم است لازم است که تیاره بشود و ضمناً آن خوشنود و تبخیر و روییتی که دیگران برای خود قائل شده اند قائل نیستند برنامه دولت بنظر بنده تازگی دارد از اینجهت که آن الفاظ مشتمل و درخشان که معمولاً در برنامه های دولت دیدیم در اینجا نیست و وعده وعده های بی پایان بنا نداده اند ولی اگر این برنامه دولت فقط دو عبارت داشت که درش هست یکی مبارزه با تخریب و تبلیغات مضر و دیگری که بنظر من اهمیتش از اولی اگر بیشتر نباشد کمتر نیست ایجاد حس مسئولیت در افراد دولت در کسانی که کار میکنند مسئول کار هستند بنده تاکنون در دوره چهاردهم و دوره پانزده و شانزده در هیچیک از برنامه دولتها ندیدم که توجه باین نکته شده باشد که کسی که پشت یک میزی می‌نشیند مسئول است باید قدرت حل و فصل امور را داشته باشد و اگر نداشته باشد همین وضعیت کاغذ بازی و اداره بازی است که ملاحظه می‌فرمائید

این در برنامه دولت قید شده است و من عرض میکنم که اگر فقط این دو عبارت را برنامه دولت می‌داشت یعنی مبارزه با تخریب و ایجاد مسئولیت من باز از موافقین بودم ولیکن آقای منصور مثل این که هدف دیگری هم دارند و آن این است که واقفاً و بانتمام از تمام نیروهای این مملکت استفاده بکنند شاید بتوانند گری از کار بکشایند (صحیح است انشاء الله) قیافه ای که از کابینه دیده میشود مؤثر این مدعی است مکرر گفته شده است که در ایران حزب نیست بنده هم تصدیق دارم و مسلم است که حزب نیست ولیکن دستجات سیاسی وجود دارد و این دستجات سیاسی که شاید بفرخور احوال گاهی تغییر رویه

با قیافه میدهند کارر واقعی سیاسی کشور را بوجود می‌آورند منظور بنده جرات بصورت محترم آقایان وزرا نیست ولی عرض میکنم مثل اینکه در کابینه حاضر تمام دستجات سیاسی مختلف سکوت می‌کنند و ذی مدخل باشند و این را بنده تمیز بکابینه ائتلاف ملی میکنم و امیدوارم که در برتو این اتحاد و اتفافی که امروز متظاهر است دولت فعلی بتواند کاری انجام بدهد (انشاء الله) بیانات پر پرور جناب آقای نخست وزیر از پشت همین تریبون مؤمنانه مدعا بوده معلوم شد که ایشان واقفاً می‌خواهند که مخالفان را از حق صحبت و بیانی که دارند ۰۰۰۰ عرض نمیکنم که جلوگیری بشود بلکه نظرشان این است که آنچه را که باید گفته بشود و بقبول معروف جنگ اول به از صلح آخر باشد ولی خوب گرچه یک آخری بالاخره خواهد آمد این تردید نیست ما هم می‌دانیم ولی سعی میکنم که شاید دیرتر باشد آقایان من یکبار اینجا گفتم و باز هم تکرار میکنم که خطر نزدیک است ولیکن راه مبارزه با این خطر ایجاد یأس و حرمان نیست خطر نزدیک است فقط در صورتیکه ما از خواب غفلت بیدار نشویم بیاید شما نمایندگان ملت، شما رکن چهارم مشروطیت، شما هادیان افکار عمومی، شما تماشایانی که بصرف حضور در اینجا ثابت کردید که بسر نوشت این مملکت علاقمند هستید و بالاخره شما دولت که مسئول انجام امور هستید بیاید همه دست بدهیم و از نیت خیر خواهانه شخص اول این مملکت از کسی که واقفاً در عالم از خود گذشته کی وفداکاری نمونه شهادت و شجاعت است یعنی از شخص شاهنشاه و از گفتار و بیانات همیشگی ایشان سرمشق بگیریم یا هم کار کنیم و سعی بکنیم که ملی رفهم دشمنان این مملکت ثابت بکنیم که ایرانی هنوز قابل زندگی است ایرانی هنوز اسمش باید در تاریخ باشد ایران از نقشه دنیا نباید محو بشود (صحیح است) عرایض بنده تمام شد مثل اینکه وقت هم تمام شد فقط دو کلمه را می‌خواستم تذکر بدهم علاقمند بودم که جناب آقای نخست وزیر هم تشریف داشته باشند برای اینکه مربوط بوزارت دارائی است که فعلاً گویا تحت نظر خودشان اداره میشود و از آقایان محترم استعنا میکنم که عرایض بنده را مختصراً بمرضشان برسانند (جمعی از نمایندگان تشریف آوردند) عرض کردم دو نکته را میخواستم متذکر بشوم چونکه وزارت دارائی تحت نظر شخص جناب عالی اداره میشود استدهای پفل توجه دارم یکی مربوط به غله است که خوشبختانه آقای شوشتری فرمودند و راجع بآن در برنامه دولت گذشته گفته شده بود که اداره تثبیت غله ملتی خواهد شد شأن نزول این اداره در روز اول این نبود که مصرف نان شهرستانها را بدهد بلکه این بود که از رعایا

تبلیغ از خارج مجلس و از داخل مجلس بالاخره آقا را ساخط میکنند من حتم دارم ایشان هم مثل آقای ساعد آن حوصله را ندارد نهیر. ایشان را هم خواهیم دید خوش استقبال بود بفرقه هستیم.

سبعدهم هفده سال پیش از امروز در شهر «رم» يك دادگاه بزرگ مذهبی مسیحی تشکیل شد و «گالیله» دانشمند بزرگ فلورانس را بجرم ارتداد محاکمه میکردند. «گالیله» برخلاف عقیده کتبیها قائل بحرکت زمین بدور خورشید بود و با این نظریه آبپاکی بر عقاید و افکار باطل و یوسیده کشیش های مسیحی میرفت. چون بامناطق ودلیل عقاید علمی او را نمیتوانستند رد کنند او را مرتد و کافر خواندند و فتوای قتل او را دادند. گالیله برای رهایی از مرگ مجبور شد در مقابل مجسمه های جهل و غرور زانو بزند و توبه نامه تاریخی را بدلقخواه بزرگان کلیسا امضا کند.

اینست چند جمله از توبه نامه تاریخی گالیله:

«منکه گالیله گالیله هستم و عمرم بهمتاد سال»
«رسیده است در محکمه مسیحیت بجهت اقرار و توبه بزانو درآدم و در حضور بزرگان مذهب»
«مسی روئای محکمه حدود دینی مرتدین، کتاب»
«مقدس را زیارت کرده و قسم میخورم که همیشه»
«معتقد بزرگان کاتولیک باشم و چون آن»
«بزرگواران سابقاً مرا نهی کرده بودند از اظهار»
«نظر درحرکت زمین و ترك آن مذهب باطل و»
«من رساله ای در اثبات آن موضوع از قول دیگران»
«تألیف کرده بودم اینست که برای رفع اتهام از»
«خود و برای اینکه اگر جرمی دارم عفو کنید بآ»
«د کمال صداقت توبه میکنم و نفرت میجویم از اعتقاد»
«باطل و سخنی که راجع بحرکت زمین داشتم و»
«سوگند یاد میکنم که بعد از این مطالبی»
«مخالف با موازین شرعیه باشد نکویم و ننویسم»
«و اگر کسی را شناسم که پیرو این عقیده است»
«هر کجا باشد بنیاندگان آقایان او را معرفی کنم»
«و اگر خدای نخواست مخالفت نمایم مستحق عقوبات»
«و مصائب گوناگون باشم»

هنگامیکه در چند جلسه قبل مجلس صحبت از تقسیم اراضی زراعتی میان صاحبان واقعی آن بیان آورد و ناگهان فریاد تکفیر از هر طرف برخاست و در خارج از این مجلس محترم آنرا مخالف با شرع خواندند و مرا تهدید بارتداد و عقوبت کردند بی اختیار منظره محاکمه گالیله بخاطر آمد.

برای اینکه گرفتار عقوبات خطرناك كفری که گفته ام نشوم و اگر در اظهار نظر نسبت به تقسیم اراضی در محضر آقایان مالکین بزرگ و ثنودالهای معتبر ایران که شرائین ملک را در دست دارند برخلاف مصالح و منافعتان فقط بخاطر طبقه محروم این ملک عرض کرده ام مورد عفو واقع شوم بامدی بلند در محضر مالکین بزرگ و ثنودالترین مردم این ملک و ثنودالهای با نفوذ و معتبر دمای توبه را بر زبان جاری میکنم (احسن)

استغفر الله الذی لا اله الا هو العلی العزیز الرحیم

الرحیم فوالجلال والاکرام واسئله ان یتوب علی توبه عبد ذلیل خاضع، خاشع، فقیر، بائس، مسکین، مستکین، مستعیر لایملک لنفسه نعماً ولا ضرراً ولا حیوة ولانوماً ولا نثوراً (آفرین)

همانطور که گالیله از ترس جان خود هنگام امضای توبه نامه آهسته میگفت «زمین حرکت میکند من با صدای رسا اعلام میکنم که باید مالکیت محدود گردد (یکی از نمایندگان - توبه را نشنیدید) (اورنگ - زبسه که توبه نمودم زبسه توبه شکست) ممکنست آقایان مالکین محترم بن حمله کنید، فحش بدهید و مستکین، مرا آشوب طلب، مرتد و زندیق بخوانید ولی بدانید که این صدائی نیست که تنها از حلقوم من خارج شود و با از میان رفتن من در صندوق سینه ام خاموش شود و بسوزد (شوشتری - آقای آشتیانی زاده خدا شاهد است صلاح نیست این حرفها زده شود) اگر گوش اشخاصی که باندازه خاک کشور سوس ملک دارند در میان باغها و پارکهای فشنک و در میان اصوات دل انگیز موسیقی و تحت تأثیر کبف مشروبات اروپائی صدای مثل را نمیشنود، اطمینان داشته باشند، این صدا بقدری قوی خواهد شد که بالاخره از پرده گوش آنان خواهد گذشت و آنوقت خواهید دید که تبدیل ثروت، تبدیل مالکیت سپردن وسائل تولید بدست زارع و کارگر دیگر بصورت درخواستهای متضرعانه طبقات محروم و ستم کشیده مردم نخواهد بود بلکه آرزوهای خود را خودشان جامه عمل خواهند پوشاند.

من در برنامه دولت آقای ساعد اعتراض کردم که چرا موضوع تجدید مالکیت در برنامه دولت ایشان ذکر نشده است و تذکر دادم که اعلیحضرت همایونی در امر یک موضوع را با صراحت هر چه تمام تر وعده فرمودند. (شوشتری - راجع بخدا باده بود) برای اینکه دانسته شود من نظری بجز خیر و صلاح مملکت و اجرای منویات خیر خواهانه پادشاه نداشته ام عین بیانات اعلیحضرت را در يك مصاحبه مطبوعاتی امریکا که اداره تبلیغات آنرا چاپ و منتشر کرده است قرائت میکنم.

(شاهنشاه ضحاً فرمودند برنامه ای در نظر دارند بموقع اجرا بگذارند که طبق آن مالکین بزرگ و همچنین کسانی که علاقه زیادی باملاک خود ندارند آبادیها و اراضی خود را بدولت بفروشند و دولت نیز این املاک را بقیمت تمام شده باقساط بزرگان بفروشد تا این که کشاورزان ایران بتوانند در املاک شخصی خود مشغول کشاورزی شوند) (بهادری - این آرزوی همه است آقای آشتیانی زاده) (صفت ۲۹ از کتاب نطق های اعلیحضرت همایونی) (بیراسته - صدی نود و پنج که در مجلس هستند چیزی ندارند شما میفرمایید فتودال) (شوشتری - فتودال چیست؟ فارسی بفرمایید) (آنها بیکه ندارند از آنها نمی دانند بگنند (زنک متتریس)

نایب رئیس - آقای شوشتری تذکر میدهم بجناب عالی.

آشتیانی زاده - بیانات اعلیحضرت را مخصوصاً تکرار کردم تا کسانی منکر این فرمایشات بودند بدانند که من چیزی جمل نمیکم.

دولت آقای ساعدی در گنجاندن این اصل

اساسی در برنامه خود نکرد و از ترس اینکه مبادا در مجلسین مالکین بزرگ بدولت او رأی اعتماد دهند تسامح آنها شد.

مناسفانه آقای منصورالملک هم در برنامه دولت خود باین موضوع مهم توجهی نکردند و هنگامیکه از يك چنین اقدام ساده ای بیم و وحشت دارند چگونه ممکن است انتظار داشت که راجع بسایر قسمتهای برنامه ممکن است اقداماتی بکنند؟ این انتظار شخص شاه است و تمام ملت ایران باستانی همه مددجوی طرفدار این امر هستند که باین اصل معین با دادن اراضی به زارعین و اشخاصی که در زمین کار میکنند از این راه جلو کمونیزم گرفته شود.

اگر دولت و مجلس ایران معتقد باصل عدالت اجتماعی هستند باید برای اثبات حسن نیت دقانون تقسیم اراضی زراعتی را پیشنهاد و تصویب کنند و طبقه حاکمه مملکت یعنی بزرگترین زمینداران و مالکین ایران بمرم نشان بدهند که خیال خدعه و فریب و نیرنگ را ندارند.

آقایان محترم، زندگی اجتماعی و اقتصادی و رژیم سیاسی هر عصر مقتضاتی دارد. این مقتضیات عصر و محیط است که واضع قانون و پایه گذار اساس زندگی اجتماعی میباشد.

يك روز جهل و بیخبری و عقب ماندگی مردم و اقتضای عصر اجازه میداد که توانا ترین و زورگو ترین مردم نه تنها صاحب املاک و وسیع بشود بلکه رها یارا از زن و مرد مانند گوسفند و گاو در دایره مالکیت خود اسیر کنند.

در آن ایام زمین با رعیت و گاوکار روبهم خرید و فروش میشد و اساساً شخصیت زارع بی ارزشتر از شخصیت چهارپایان بود. مالکین محترم حق داشتند شب زفاف رها یای بجا داد و هوس را خودشان تصرف کنند، رعیت را کند و زنجیر بگذارند شلاق بزنند، بکشند، قطعه قطعه کنند. (همه نمایندگان) (یکی از نمایندگان - این حرفها چه؟) (زنک رئیس)

(شوشتری - العیاذ بالله) مالک و خان صاحب هستی و جان تمام کسانی بودند که روی اراضی ایشان کار میکردند و دسترنج خود را تقدیم باب می نمودند دوران بردگی و سروز را تاریخ فراموش نکرده است. صفحات تاریخ مملو از جنایات و ستمها و خونخواریهای فتودالهای جاریست که تذکر اعمال وحشیانه آنها موی بر اندام راست میکند.

شوشتری - فتودال چه؟ فارسی بگوئید

نایب رئیس - آقای آشتیانی زاده اجازه بفرمایید نیم ساعت وقتتان تمام شده است صبر کنید پیشنهادی رسیده است قرائت شود (پیشنهاد آقای صفائی شرح زیر قرائت شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی، چون بیانات آقای آشتیانی زاده در اطراف برنامه دولت خانه نیافته است پیشنهاد میکنم مدت نطق ایشان به یکساعت تمدید شود

نایب رئیس - رای میگیرم به پیشنهاد آقای صفائی باینکه بیست ساعت دیگر بدست نطق آقای آشتیانی زاده افزوده شود آقایانی که موافقت قیام

است تحمل میکنند و علاوه نطق هم که يك و كیل میکند نطق فردی است و نطق صوم نیست (صحیح است)

آشتیانی زاده - در خانوار ما که ما خودمان يكی از خادمین دین مقدس بوده ایم و همه مردم مملکت آنها را می شناسند میدانند که از این وسيله ها و از این حرفها بی نیستم چندان مستلیم.

شما اگر میخواهید خیلی ترویج اسلام کنید بکنید گاهی حضرت علی را ترویج کنید (شوشتری - انه عمل فیه صالح) عرض کنم یکی از قسمتهای که بنده میخواستم تذکر بدهم مربوط باجرای قانون است در مملکت بالاخره مالکیت تعدید شود در نظر اسلام مالکیت در مورد مستغلات نیز مانند مالکیت اراضی مزروعه است اگر نسبت بقیمت اراضی مزروعه و املاک بزرگ و وسیع آقایان معتقدید که قیمت را مطابق میل مالک باید پرداخت پس چرا راجع بمال الاجاره مستغلات این نظریه اجرا نمیشود و اداره مال الاجاره ماهر مبلفی که صلاح میدانند بمالک مستغل تحویل میکنند موضوع دیگر موضوع تبعید افراد حزب توده است که بنده میخواستم در این مورد صحبت بکنم ما بنیاستی روی حب و بغض یا روی ترس و غیر قانونی تلقی کردن يك دسته ای برخلاف قانون با آنها عمل میکنیم امروز با اینکه تمام آنها را که داد و مکراسی و آزادی میزنند و شاهنشاه مکرر فرموده اند که من بجز قانون از هیچ چیزی طرفداری نخواهم کرد (صحیح است) چطور پس هیئت دولت راضی میشود که در موارد مخصوصی برخلاف قانون عمل شود آقایان میدانند بعد از حادثه ۱۵ بهمن حکومت نظامی در تهران اعلام شد چند روز بعد يك جوان آسوری بجرم کشتن مادرش در محکمه نظامی محاکمه و با آنکه معلوم گردید دیوانه است محکوم باعدام شد و فرمانداری نظامی اعلام کرد که از نظر تسریع در اجرای قوانین در ظرف ۴۸ ساعت قاتل را دستگیر و محاکمه و اعدام کرد (کشاورز صدر - این دولت که ملنی کرد) این تذکرات را میخواهم بآقای هیئت بدهم که مواظب جریان باشند.

آقایان محترم میدانند که پس از اعلام حکم محکومیت از طرف دادگاه، قانون ده روز ضرب الاجل معین کرده است که اگر محکوم تقاضای رسیدگی پژوهشی یا تیز دارد بکند. در قانون تصریح شده است که هیچ حکمی قبل از انقضای مدت مزبور قابل اجرا نیست بخصوص در مسئله اعدام که چون جان يك انسان در میان است دقیق تر رعایت این نکته میشود.

فرماندار نظامی اعلام کرد که حکم محکمه بستم ابلاغ شد و چون تعدید نظر نخواست حکم اجرا میشود. بر فرض محال محکوم بر سرگی پس از اضافه حکم تعدید نظر نخواهد و تحت تأثیر شرایطی قرار بگیرد. قانون موظف کرده است که تائیش از انقضای مدت ده روز حکم قابل اجرا نخواهد بود.

زیرا احتمال دارد در آخرین ساعت روز دهم محکوم از تصمیم قبلی خود منصرف شود و تقاضای رسیدگی در مرحله بالا تری را بکند. غالباً هم پیش آمده است که این قبیل احکام اعدام مبتنی بر اشتباه بوده

است و در این صورت احکام اعدام مبتنی بر اشتباه بوده

فرمانت (الغلب قیام نمودند) تصویب شد. بفرمایید آقای آشتیانی زاده

آشتیانی زاده - مبارزه شجاعانه و مبتد طیفه محروم و زحمتکش در طی قرون متداری، وقوع انقلابات و خون ریزیهای تاریخی، همه برای این بوده است که سیستم مالکیت را عوض کنند و مفهوم آنرا معدومتر نمایند.

با آنکه فقه اسلامی خرید و فروش برده و بنده را مجاز دانسته و چند فصل مهم از فقه اسلام را موضوع «بردگی» اشتغال کرده است مملکت امروز اگر يك مسلمان کسی را بعنوان غلام خریداری میکند شما مسلمانها، شما آقایانی که طرفدار شرع مظهر هستید آیا او را سفیه، دیوانه، وحشی و خونخوار نمیخوانید؟ آیا جامعه ما او را طرد نمیکند؟ و با آنکه فقه اسلامی چنین مالکیتی را مجاز دانسته هیچکس در مملکت ایران جرأت دارد بگوید مالکیت انسان بر انسان محترم و قابل اجرا است؟ موضوع بردگی هم يك بحثی است این هم مثل مالکیت اراضی میماند (شوشتری - قیاس مع الفارق است) ابتدا اگر چنین کسی پیدا شود باید فوراً او را بمادر المجانین برد. چرا امروز این فصل در فقه اسلامی متروک شده است؟

آیا فقه های اسلام این اصول را غلط نوشته اند یا آنکه امروز مردم قاعده «تسلط» را زیر پا گذارده اند؟ مسلماً هیچکدام... روزی که فقه های اسلام اصول بردگی را تدوین می کردند بردگی و غلامی رواج دنیای آن زمان بود. غلامها یکی از ارکان اقتصاد و تولید زراعتی را تشکیل میدادند. بنابراین آنروز اسلام ناچار بود قواعدی برای خرید و فروش غلام وضع کند و مالکیت بر جان رها یا و غلامها را تجویز نماید ولی امروز مفهوم مالکیت بر جان اشخاص از میان رفته است. گرچه زیر پا گذاشتن این فصل از مالکیت قاعده تسلط را هم خدشه دار کند و بر اعتبار آن لطمه وارد سازد.

هر اندازه انسانیت بطرف کمال سوق کند و بشر رشد عقلی و اقتصادی داشته باشد مفهوم مالکیت معدومتر میشود و کم کم اساس خود را از دست میدهد بسون اینکه هیاهوی چند نفر غافل، خام طمع بتواند جلوی چرخ عظیم بخورد کنند جبر تاریخی را سد نماید. (فرامرزی - احکام اسلام تغییر نکرده) (صحیح است) (زنک رئیس) (رفیع - آقا چرا اذیت میکنی برنامه دولت چه مربوط است باین حرفها چرا اذیت میکنی؟ چرا اجازه میدهید این حرفها را بزنند؟) اراضی مملکت ایران مفتوح الملو است (شوشتری - اینطور نیست برخلاف قول است) ششیر اسلام فتح کرده این اراضی را مال جحش است (شوشتری - این دروغ است اقرا میزنید، نه میزنید. یعنی چه؟ مالیت با نیست است) (همه نمایندگان) (کنیم)

نایب رئیس - تذکر میدهم بشما موضوع اسلام مورد علاقه صوم است (صحیح است) بنابراین خواهش میکنم این مسائل را باهم مخلوط نکنید که در خارج سوءتفاهم بشود که خدای نکرده مجلس شورای ملی مسائلی را که برخلاف مذهب

چنانکه داستان محمود قاتل را در تهران همه یاد دارند که او را تپای دار هم بردند. قاتل اصلی ماموم شد (صاحب جمع - اکبر سلاخ بود) بنده آقای هیئت ارادت دارم (بعضی از نمایندگان - همه ارادت دارند) از سالهای سال پدر من باین شخص محترم ارادت داشته و بنده هم بالطبع يکي از دوستان ایشان هستم ولی ما فرار گذاشته ایم اینها که آدمی پشت این کرسی خصوصیات شخصی را کنار بگذاریم و با فراتر بپزیریم هر چه نامر و هر چه دل بر آن گواهی میدهند صریحاً بگوئیم این شرطی است که بنده با خودم کرده ام من از آقای دادستان سابق گله میکنم چون دادستان کل کشور ناظر بر تمام جریانات قضائی و قانونی کشور است، ناظر کل کشور هر جا خطائی، کوچکترین خطائی، کوچکترین عمل غیر قانونی صورت بگیرد او حق دارد اعتراض بکند یا آن کسی که موجب این عمل غیر قانونی شده او را هدایتش بکند این وظیفه دادستان دیوان کشور است برای اینکه در این کابینه، در این دولت که تازه تشکیل شده و ایشان هم عضو این دولت هستند بنظرم جبران گذشته همایانی بکنند که موجبات جبران گذشته فراهم و ویرده پوشی بر سهل انگاری هایی که ایشان در دوره تصدی دادستانی نموده اند بنماید.

آقایان محترم میدانند که بعد از واقعه پانزدهم بهمن تحت تأثیر شرایطی که آن روز بوجو آمده بود حزب توده غیر قانونی اعلام گردید و همه آزادی از رهبران و اعضای آن حزب و روزنامه نویسهای غیر حزبی را حکومت نظامی توقیف نمود و يك سلسله معاکماتی را آغاز کرد.

قانون حکومت نظامی مصرح است باینکه از ساعت اعلام حکومت نظامی رسیدگی بجرایم معینی کدر قانون ذکر شده است در صلاحیت محاکم نظامی می باشد. همچنین اصل مسلمی در قوانین ایران مانند تمام ممالک جهان وجود دارد که هیچ قانونی عطف بسابق نمیکند و هیچ محکمه ای خارج از حدود صلاحیت خود حق رسیدگی بدهای را ندارد.

حکومت نظامی سران حزب توده و روزنامه نویسهارا گرفت و محاکم نظامی بانها اقداماتی که آن اشخاص پیش از اعلام حکومت نظامی کرده بودند محاکمه نمود و با آنکه در قوانین جزا اصل اینست که اگر دو قانون در يك مورد تعارض پیدا کردند قانونی که برفع متهم است باید مورد استناد قرار گیرد محاکم مزبور برخلاف تمام اصول مقرر در قوانین اساسی و مدنی و جزائی آن اشخاص را بسبب اقدامات پیش از اعلام حکومت نظامی بوجوب مواد قانون حکومت نظامی و غیره محکوم کردند و آقای دادستان کل که در تمام این احوال مکلف بود مانع از این تجاوزات بقانون بشود ساکت ماند.

در شهر لار بر سر مبارزات انتخاباتی متنازعاتی شد در نتیجه چند نفر کشته شدند. محکمه نظامی تشکیل شد و برخلاف صلاحیت خود نسبت بموضوع

بود هدایای معا که و محکوم کرد و آقای هشت داستان اعتراضی نکردند

حکم محکمه نظامی لار را یکی از شعب دیوان کشور نقض کرد و صریحاً در متن حکم تذکر داد که محکمه نظامی به چوچه شایستگی و صلاحیت رسیدگی بدعاوی قبل از اعلام حکومت نظامی را ندارد این حکم دیوان تمیز که قاطع مباحثات مربوط صلاحیت دادگاههای نظامی میباشد درجه مسئولیت آقای دادستان کل را ثابت میکند.

چون در اطراف رأی دیوان تمیز مباحثاتی در جرایم تهران آغاز شد من میخوانم چند سطر از مقاله آقای فرامرزی را در این باب بخوانم آقای فرامرزی در شماره ۲۰۸۰ روزنامه کیهان نوشته اند:

«اگر قوه قضائیه میخواست حقوقی را که قانون اساسی با افراد داده تأمین کند و دادگاههای نظامی را برای رسیدگی بقضایای قبل از اعلام حکومت نظامی صالح نمیداند چرا در مورد دیگر نمیکند؟ امروز چند اشخاص در زندان بسر میبرند که بموجب حکم دادگاههای نظامی محکوم شده اند و جرائم ایشان مربوط بقبل از اعلان حکومت نظامی است؟ (پیراسته - بعضی جرائم مستمر است) قوه قضائیه اگر میخواست وجود خود را در مقابل قوه مجریه بعنوان یک قوه مستقل مجسم کند باید همه جانشان بدهد و اگر میخواست حقوقی را که قانون اساسی با افراد داده که عبارت از رسیدگی هر دعوائی در مرجع تظلمات عمومی یعنی عدلیه باشد تأمین و تثبیت کند باید در همه جا بکند.»

«این قوه قضائیه مگر نمیبیند که چه عده اشخاصی را بجرم اعمال قبل از حکومت نظامی محکوم ساخته اند و تمام محکومین بموجب آن احکام مجازات دیده اند»

«این چه کشور است که دادگاهش در یک قضیه صلاحیت رسیدگی دارد و در قضیه دیگر صلاحیت ندارد؟» (پیراسته - موارد فرق میکند)

رئیس - درس حقوقی نیست آقایان! اینها تثبیت نمیکند.

آشتیانی زاده - اگر دادگاه نظامی صلاحیت رسیدگی باین قبیل قضایا را ندارد باید اولین عملی که دادگاه نظامی از این قبیل کرد فوراً عدلیه وارد شود و کار را از دستوی بگیرد و بگوید شما در آن مداخله نکنید.

من با اعتراضات آقای فرامرزی کاملاً شریک هستم. ولی آقای فرامرزی توجه نداشته اند که مسئولیت نظارت در اجرای صحیح قوانین متوجه دادستان کل است. او است که هر جا تجاوزی بحقوق مردم دید باید فوراً مداخله کند. (فرامرزی تذکر دادند من)

۴- موضوع چهارم اعدام امامی قاتل هژیر است. شخصی در زمان هادی وزیر دربار مملکت را گشت البته کار بسیار بدی کرد. ولی بدتر از کار او کار محکمه نظامی و دادستان کل بود قتل عمدی در قوانین ما مجازات اعدام دارد و مرجع رسیدگی

آن دیوان چنانی است. چه حاجت بود که محکمه نظامی بموضوع قتل که پیش از اعلام حکومت نظامی واقع شده است رسیدگی کند و متهمی را بر خلاف صلاحیت خود محکوم با اعدام نماید؟

در کدام نقطه از دنیا محکوم با اعدام را نصف شب بداد میکنند. در قوانین جزائی دنیا بعنوان یک اصل قبول شده است که محکومین با اعدام را سبیده دم بداد میآورند یا تیر باران میکنند.

۵- موضوع دیگر تبعید زندانیهای سیاسی از تهران بنقاط بد آب و هوای مملکت است.

مانند طور که در برنامه دولت ساهد تذکر دادم بموجب مواد قانون جزا مجازات چند درجه تقسیم میشود. یکی از آنها حبس است و نوع دیگر مجازات تبعید میباشد.

مجبوسین سیاسی که با آن کیفیت در محاکم نظامی محکوم بعین شده بودند شهربانی تهران بنقاط خارج تبعید کرده است.

اینها مطالبی است که بنده واقعاً شرمند هستم که این عرایض را خدمت آقای وزیر دادگستری عرض بکنم برای اینکه ما با ایشان روابط نزدیک و فامیلی داریم خود شاهد تصدیق فرمودند که چند شب قبل در هیئت وزراء این موضوع را مطرح کرده اند و مخصوصاً قول دادند که این اشخاصی که هم تبعید و هم محبوس هستند بالاخره درجه مجازات آنها همان باشد که قانون معین کرده است نه اینکه هم حبس باشد و هم تبعید (شوشتری - کیهان آقا؟) من نمیدانم شما که میدانید بنده خودم هم اگر توده ای باشم ترسی ندارم (فقیه زاده - انشاء الله کنستید) بنده از جناب آقای نخست وزیر استدعا دارم مطالبی که اینجا عرض میکنم به این مطالب توجه فرمایند و یک نوع عملی بکنند که فقط جنبه رفع تکلیف نداشته باشد و حقیقه خودشان اول مجری و اول حافظ قانون باشند چون اگر در مملکت قانون اجرا نشد و دادگستری فقط برفع اغیار و تروتمندان و اشخاص متنفذ استفاده شد مملکت روی خوش نمی بیند (صحیح است) که من یک جا بگویم چون اینها مردمان بدی هستند توده ای هستند مطابق قانون محکوم بعینشان میکنم بعد هم اگر دلمان خواست تبعیدشان میکنم بعد هم میکشیشان این میشود.

مثل آن مرد است که گفت اول شمارا میکشم بعد حبس میکنم پدرسوخته این میشود اشخاصی که محکوم گردید بعین باید حبس بشوند اگر محکوم به تبعید گردید باید تبعید بشوند بالاخره ما باید طوری عمل بکنیم که همان مالک دموکراسی غرب هم با ایراد نکنند آقایان می بینید که مالک دموکراسی غرب هم باین جریانات و این اقتضاحاتی که در مملکت موجود است ایراد میکنند و صدای اعتراض آنها هر شب بلند است چندانکه از زندهای این تبعیدشدگان بینه مراجعه کردند و گفتند که در زیر و در شیراز در هر اطراف هشت یا نه نفر ریخته اند و با این هوای گرم تابستان بهر یک هشت ریال جیره میدهند بفرمایند که در کجای دنیا با مجوسین سیاسی این نوع معامله میکنند این را حقیقه بنده برخلاف انصاف و انسانیت میدانم در صدر اسلام هم از کفار جزیه میگرفتند و ولشان

میکردند و حال شاهم از این اشخاص یا جزیه بگیرد یا حبس بکنند این نمیشود که مردم را قتل عام بکنند مارتیر نکنند یک کاری بکنند که تمام اشخاص اما زاده نشوند. با متانت عمل بکنند حب و بند شخصی را کنار بگذارند والا این مملکت بهیچ جا نخواهد رسید یک مثلی هست میگویند آن کسی بهتر و بیشتر میخندد که آخر کار بخندد و بهتر بخندد و یکی هم آقا این موضوع حزب پان ایرانیسم است عرض میشود که خیلی مضحک است ما یک موقعیت خاصی در این مملکت پیدا کرده ایم از نظر سیاست خارجی خوب شوری که تکلیفش معلوم است امریکا و انگلستان هم که معلوم است و این مملکت همجوار هم باید باین حرفهای بوج و تو خالی که صرفاً مقصود از آنها تظاهر و خود نمائی است از ملت ایران رنجیده خاطر شوند شما پادشاه افغانستان را بتهران دعوت کردید پذیرائی کردید. مهمان بود خوب هم پذیرائی آبرو مندی از ایشان بعمل آمد اعلیحضرت پادشاه خودمان که در پاکستان با آن جلال و جبروت از معظله پذیرائی کردند ولی ما نمیدانیم که این هیئت ها که چه جور خیال میکنند از یکطرف باین دول و باین ملل معاهده دوستی و همجواری منعقد میکنند و از طرفی حزب پان ایرانیسم و مرام پان ایرانیسم را در ایران ترویج میکنند (محمدعلی مسعودی - عقیده آزاد است، بدلت مربوط نیست) یعنی مملکت ایران یا کستان را بگیرد بضر بشمشیر ضمیمه ایران بکند افغانستان را ضمیمه ایران بکند قفقاز را ضمیمه ایران بکند (یکی از نمایندگان - همه چی چیزی نیست) ممکن است آقا هم سوار اسب سفید شده به بی بی وارد بشوید (حاذقی - هیچ حس تجاوزی در ایران نیست نه زور میگوئیم نه زور میشویم) عرض میشود که این موضوع ها باید درش دقت بیشتری بشود بزرگان مملکت و اشخاصی که در رأس هیئت ها که قرار میگیرند باین نکاتی که شاید از نظر ظاهر اهمیت نداشته باشند و هر روز ممکن است بهانه ای بدست اشخاص مقصد جو بدهد علاج فوری بکنند. راجع بسایر قسمتها هم همانطور که بنده عرض کردم از این هیئت دولت بنده معجزه ای نمی بینم. اشخاص خیلی خوب هستند ولی خوب بودن شرط خوب کار کردن نیست و شرط درک نوع حکومت برای مقتضیات روز نیست. یک آقایانی بودند در این مملکت سالها بایک سیستم مخصوصی کار کردند و نتیجه کارشان هم همین است که می بینیم امروز اینها دیگر نمیتوانند بر حسب مقتضیات روز و آنچه را که امروز دنیا ايجاب میکند در دستگاه مملکت مؤثر واقع بشوند. خود آقای نخست وزیر هم خودشان یک وضعیت اربزینال و یک وضعیت خاصی دارند و آن اینست که از رجال قبل از دوره بیست ساله و از رجال دوره ۲۰ ساله بوده اند. بعد از شهر یورهم از رجال بوده اند و یک وضع خاصی دارند ما نمیتوانیم بگوئیم که ایشان از رجالی هستند که مربوط بمکتب فعلی هستند و از این مکتب آمده اند بیرون، یا از رجال مربوط بمکتب دوره ۲۰ ساله هستند خیر، ایشان یک شخصیت خاصی دارند ولی من گمان میکنم که نتوانند دست بیک اصلاحات اساسی بزنند. همینطور راجع باین اراضی وسیع کشاورزی،

گفته میشود اراضی خالصه را تقسیم کنیم. اراضی بایر زیاد است. آخر اراضی بایر را که اگر بخواهند تقسیم نکنند اگر برعکس که در ده مالک نشین و دارای مالک مشغول زراعت است. اگر بخواهد او را بایرید در زمین بایر، آن ده خالی میماند. این که عملی نیست. کوه و وریش بهن که نمیشود کرد. اگر میخواست بخواهد بخودشان تسلیت بدهد که مانعی ندارد ولی اگر میخواست عمل مثبتی بکنند که از تبلیغات خطرناک جلوگیری بشود که این راهش نیست. مردی میخواست دخترش را شوهر بدهد بداداش گفت آقا شما خیلی زود میخواستید با دختر من ازدواج بکنید گفت بلی ولی اگر من دختر شما را با همین وضع بگیرم و صاحب یک کند و یک تخت خواب بشوم مالکم وقتی که مالک شدم دیگر کمونیست نمیشوم. رعیتی که ده متر زمین پیدا کرد و دولت با وسائل و سرمایه ها و کمکهای که ممکن بآید بدهد یا بکند او را تشویق کرد و حفظ کرد و سوش داد با بادی زمین و علاقه مند شدن بآن زمین که این زمین مال تو است آنوقت خطر کمونیسم از او رفع میشود. او دیگر ماجراجو و انقلابی نیست. در هر صورت بنده نمیدانم مثلاً آقای منصور با این صندوق خالی و این خزانه تهی مملکت چه میخواست بکند؟ بنده شنیدم وضعیت خزینه مملکت فوق العاده اسف انگیز است. نمیدانم امریکائیها که بنا بود پول بدهند آخرش چه شد؟ حرف است و صحبت؟ همه اینها حرف بود؟ پولها چه شد؟ وعده ها چه شد؟ یک موضوع دیگر هم که در این آخرین لحظه این وهله آخر میخوانم بمرض آقایان برسانم اینست که در دولتهای سابق رسم بود که هر وقت حرفی میزدیم میگفتند آقا بما چه؟ ما که مسئول نیستیم، ما کاری دستان نیست، ما از دستان کاری بر نمی آید. میخواستیم بآقا عرض بکنم که مسئول در مقابل ملت و مجلس شورای ملی جنابعالی و دولت جنابعالی است اعلیحضرت همایونی از مسئولیت منزهد و ایشان یک مقام فوق العاده و جلیلی را دارند که بالای این حرفهاست.

اورنگ - ما توفیق خدمت را برای ایشان از خداوند بمطلبیم.

فقیه آده - بنده اخطار نظامنامه ای دارم. نایب رئیس - بعد از بیانات آقای نخست وزیر بفرمائید آقای نخست وزیر.

نخست وزیر - بنده خوشترم از اینکه بالاخره هر یک از آقایان مایل بودند صحبتی بفرمایند کاملاً وقت پیدا کردند و نظریات و مطالب خودشان را فرمودند مجموع مطالبی که اظهار شد عبارتست از یک رشته مذاکرات و نظریاتی که در قسمت همده شاید همه شریک باشند و یک قسمتش هم توام است با اغراقات. یعنی بالاخره وارد یک مطالب خاصی شده اند بدون این که بقدر کفایت در آن مطالب فرصت مطالعه داشته باشند یا اینکه وقت ایشان اجازه بدهد که در آنجا کاملاً تشریح بکنند (صحیح است) بعقیده من مطالب مملکی مهتر از این است که سطحی اظهار بشود نمیخوانم بگویم که مطالب سطحی گفته شده ولی همینطور باجمال اظهار کردن

یک مسائل عمیق و مهمی را که جنبه اجتماعی دارد این با این چند کلمه که در کرسی سبترانی مجلس مجاز است این نمیشود (صحیح است) مگر اینکه قبلاً مطالبات کامل شده باشد و اینجا خلاصه بگویند ولی باید حاوی تمام نکات لازم باشد (صحیح است) اینست که بنده اگر چه یک سیاستمدار هستم کرده ام از فرمایشات آقایان و میتوانم اینجا جزء بجزء توضیح بدهم و جواب بدهم؟ بعضیها را هم تصدیق بکنم، میتوانم. اما از یکطرف وقت نیست از یکطرف صحبت در زمینه برنامه نباید داخل جزئیات باشد ما نباید داخل جزئیات بشویم، داخل بحث بشویم اساس کار برنامه یک رشته مطالب اصولی است که اگر مجلس شورای ملی موافقت داشته باشد با آن اصول آنوقت در جزئیات و طرز عمل بنای همکاری و همفکری است. وقت هست و میشود تمام جزئیات را بحث و مذاقه کرد (صحیح است) اینست که بنده زیاد اینجا میخوانم تصدیق بدهم بآقایان فقط بطور کلی عرض میکنم برنامه ای که دولت در نظر گرفته است یا بمجلس تقدیم کرده است اینجا یکی از آقایان فرمودند که عبارات خوب تلفیق شده اما من این را نمیتوانم جداً و صریحاً عرض کنم که این عبارات نیست. این معانی است. من خواهم بکنم از آقایان که فرصتی پیدا میکنند یک قدری مرور بکنند باین عبارات این نتیجه یکم تجربه من است و این را از روی اعتقاد و ایمان قلبی نوشته ام (صحیح است) و من نه فقط حالا که ما در خدمت شدم بلکه از ابتدای خدمتم چه در مراحل پائین و چه در مراحل بالاتر که طی کرده ام رویه ام این بوده، این چیزی نیست که تازه اتخاذ کرده باشم، قصد کرده باشم برای اینکه بیایم در مجلس و بآقایان یک مشت الفاظ تحویل بدهم، اینطور نیست و من ایمان دارم که اصلاح کار باید روی این زمینه بشود. تمام این فرمایشاتی که آقایان فرمودند در رشته های مختلف البته بنده خودم تصدیق دارم نواقص زیاد داریم، معایب زیاد داریم ولی در عین حال اغراق هم زیاد داریم یکی را ده تا میگوئیم (صحیح است) و این را هم در ضمن میخوانم عرض کنم که عادت خوبی نیست، باید این را هم تعدیل کنیم چنانکه نواقص دیگر را باید رفع کنیم بنده عرض میکنم که این نواقص و معایب را باید به حقیقتش برخورد وریش آنرا پیدا کرد و راه علاجش را جست، اگر بطور کلی بگوئیم اقتصاد خراب است زندگی مردم در عسرت است فقر و بیکاری هست بطور کلی، که این دردی را دوا نمیکند اگر هزار تا هم بیکار داریم بگوئیم یا نوزده هزار تا بالاخره بدتر کم میشود، اصلاً وقتی که راه صحیح و حقیقت کم شد و برای منحرف افتادیم هر چه داد بزنیم دور تر هستیم از نقطه حقیقی دورتر هستیم پس حواسمان را جمع بکنیم، در دریا تشخیص بدهیم و بهیچ وجه باید کرد؟ اگر ملاحظه بفرمائید که اوضاع خوب نیست و یک معایب و نواقص هست باید اینطور نتیجه گرفت که راهی که تا حالا رفتیم یک قدری منحرف بوده (صحیح است - صحیح است) برنامه عبارتست از طرز مشی و طرز عدل، میخوانم داخل تمام جزئیات

شدن، آقایان تمام یک رشته مطالبی فرمودند راجع با امور قضائی، جزائی، اقتصادی، اداری، برنامه ای همه چیز را فرمودند اما بنده نمیتوانم تمام اینها را جواب بدهم. برای اینکه بحث مفصل دارد بنده یک کلمه می توانم عرض کنم که این نواقصی که در این زمینه ها پیدا شده بایستی دید از چیست، اینهمه کدر این مملکت حرف زده شده و روز بروز هم هر چه حرف بیشتر زده شده کار خرابتر بوده (صحیح است) چرا؟ برای اینکه بغضش نیفتاده ایم حالا بنده بفکر اینطور رسید که خط عبارت از این برنامه است که من عرض کردم. بنده ادعا میکنم، شاید یک فکر جامعتر و بهتر باشد من از طرف اعلیحضرت همایونی مأمور شدم باین خدمت و آمدم خدمت آقایان که بآقایان همکاری بکنم یعنی جلب مساعدت آقایان را بکنم (صحیح است) مجبورم آنچه را که عقیده دارم بگویم، عقیده من اینست که خط مشی باید تغییر داده شود.

من نمیگویم سازمان اداری این مملکت درست نیست (صحیح است) اگر سازمان اداری مملکت یعنی آن ماشینی که محرک قوای مملکتی است اگر درست گشت بجای خودش بود، هر دنده ای و هر چرخه ای گردش مرتب می کرد آنوقت این فکرهای خوبی که آقایان دارند بجهت این چرخ میافتد و محصول خوب میدهد و اگر این ماشین زیرش متزلزل باشد دنده هایش ناموزون باشد، الکترو موتورها، حالا آقای شوشتری ایراد میکنند... یعنی آن مرکزهای فرعی، ندیده ام؛ یک ساترالی است، یک مرکزی است آنوقت این بوسیله کابلها متصل میشود بیک ماشینی کوچک که می بیند آن دستگاههای نساجی را حرکت میدهد این باید بجای خودش باشد، زیرش محکم باشد، میزان شده باشد آنوقت معلوم باشد که آن ماشینی کوچک هر کدامی چه قوه ای میخواند و مرتب با آنها بدهند، این را میزان بکنند، آنوقت اگر شما ایراد دارید بآن، حریر خوب درمی آید اما اگر این ناموزون باشد، متزلزل باشد، قوه اش تنظیم نشده باشد این الکترو موتورهای مرتب نکردند آنوقت شما ایراد می دهید گونی درمی آید، یک چیزی درمی آید که اصلاً برخلاف انتظار خودتان است (صحیح است) این خرج اداری مملکت این جور است، آقا تا وقتی که صحبت اصلاح میکنم متوجه این مطلب نبودیم و نتوانستیم، همه اش صحبت اشخاص شده اشخاص مؤثرند در کار ولی تمام کار نیستند آلت کار هستند (صحیح است) التفات کنید بمرض من، من حالا هستم شاید چند روز دیگر بروم، من دلم میخواند که این مملکت عکارش روی میزان صحیحی بیفتد، نیت اعلیحضرت همایونی اینست که بالفاظ و باین عبارات و بتوجه و روضه خودتان را مشغول نکنید، بس است اینقدر صحبت شخصی نشود، عرض میکنم خدمت آقایان بنده ایمان دارم که آقایان هیچکدام مسئولیت شخصی ندارند نظر شخصی ندارند عرض بنده اینست که تا صحبت یک کاری میشود شخص کی خوب است کی پاکدامن است کی نمیدانم فلاحت، درست است همه باید خوب باشند همه باید خوب باشند همه باید

پایگاهین باشند. شرط اولیش اینست انسان باید این جور باشد که آدم نمیتواند نباید باشد من عرض نمیکم که آدم را نباید دقت کرد. باید دقت کردولی متناسب کار همه خوب هستند ولی کجا؟ برای چکار؟ این میزان اداره مملکت است. خودمان را گول زنیم شخص بازی نکنیم، البته شخص در کار مؤثر است ولی همه اساس کار است. آن ماشین است. آن ماشین را باید درست کرد، البته آنهم بسته باشخص ولی ملاحظه بفرمائید که بهترین اشخاص، اگر گرفته از آسمان بیاورند اگر دستگاه خراب بود این زحمتش هدر می رود (صحیح است) باینجهت است که بنده در برنامه خود نوشته ام اصلاح سازمان اداری مملکت (صحیح است) یعنی آن ماشینی که باید این مملکت را بکار بیندازد آن ماشینی که فکر خوب آقایان را باید از قوه فعل بیوراد این دستگاه می خواهد. این بسته باین نیست که بنده اسم خود را خوب بگذارم و می حرف بزنم، این حرف کجا می رود؟ این حرف باید برود بیک دستگاهی و از آن دستگاه نتیجه گرفته شود اگر آن دستگاه بد بگردد هر چه داد بزنید فایده ندارد. اینست که حس روضه خوانی و نوحه خوانی در ما زیاد شده، همه گریه میکنیم، ملاحظه بفرمائید یکی را ده تا میگوئیم خودمان را محکوم میکنیم، ما خودمان را محکوم میکنیم بجهت چرا ایرانی اینقدر بخودش بد میگوید من این را تقبیح میکنم، ایرانی قابل است (صحیح است) ایرانی استعداد دارد (صحیح است) ایرانی مملکت خودش را میتواند اداره کند (صحیح است) چرا اینقدر بخودتان بد میگوئید اگر یک خارجی باین مملکت تعدی بکند، ایرانیهایی هستند بدبختانه که خودشان خودشان را محکوم می کنند برای اینکه حرفی دارند می گویند تقصیر اینست، تقصیر آنست، این ضعف اراده است این ضعف اخلاق است، ایرانی باید این را کنار بگذارد ایرانی باید آن مردانگی و غیرت و شجاعت که در خون اجدادش بوده حفظ کند (صحیح است) روضه خوانی هم فایده ندارد باید دست بدست هم بدهیم بهم کمک کنیم و به بیند در چیست؟ در دایست که اداره این مملکت غلط است اداره مملکت باید متناسب با احتیاجات ملت باشد (صحیح است) این اداره را میسازند ملت حقوق می دهد برای چه؟ برای اینکه هر قسمش یک خدمتی انجام بدهد نه اینکه من دلم می خواهد یک کسی را بگذارم آنجا حقوق بگیرد (صحیح است) این درست نیست این صحیح نیست ما باید سازمان اداری مملکت خودمان را بطوری بسازیم که جواب احتیاجات ملت را بدهد آن ملتی که همه ماها نو کرش هستیم خادمش هستیم، حقوق میگیریم از او، ما را پروراند برای خدمت خودش، این گناه است که ما اگر بظاهر سازی و نیندایم تحمل کاری بر گذار بکنیم ما وظیفه خدمت داریم باین مملکت و حقوق می گیریم، ما مزدور ملت هستیم (صحیح است) پس باید یک کاری بکنیم که دستگاه اداری ما یعنی آن ماشین گرداننده مملکت جواب آن احتیاجات را بدهد، ما یک اداره ماله درست می کنیم برای اینکه مطابق قانون مالیات از مردم بگیرد نه باید کم باشد

نه باید زیاد باشد نه باید کم مطالبه بکند نه باید زیاد مطالبه بکند این مطابقت بکند با احتیاجات ملت اما اگر خدای نواسته ادارات و دستگاههای ما بر اجاعات مردم ترتیب اثر ندهد و جواب مردم را اهم از ملت با منفی ندهد، مردم سرگردان باشند، حقوق و ولت که مأمور خدمت بمملکت است تقصیر بشود حقوق افراد تضییع بشود، این چه دستگاهی است؟ شما می حرف بزنید؟ ما می جوش بزنیم، چه فایده (شوشتی) ما هم حرفان همین است (همین است) در این قسمت همدرد هستیم اما گفتند که برنامه الفاظ است بنده خواستم جواب آقایان بدهم که الفاظ نیست پر از معانی است من خواهش میکنم که دو مرتبه بخوانید این تجربه چهل و دوسه سال است این کلمه بکلمه اش وزن شده است و آن چیزی است که ملت می خواهد اگر نگفته اید، نمیدانم یا توجه نداشته اید یا بالاخره بقدر بنده زحمت بخودشان ندادند اما باید این را گفت که چرخ اداری این مملکت باید درست بگردد و الله من دلم برای اعلیحضرت همایونی میسوزد، اینقدر که این شخص جوش میزند میسوزد خودش را صرف میکند، همه اش داد اصلاحات میزند چقدر میشود گفت؟ من بایشان عرض کردم که چرا این حرفها میانی نمی شود پادشاه صاحب امر است و فرمان او مطاع است همه میل دارند که اطاعت بکنند چرا اهللی نیست؟ کسی هم عاقل نیست در اینکه نکنند، چرا نمیشود؟ برای اینکه چرخ اداری مملکت درست نمیکرد، برای اینکه بعرف میگذرد، شما می خواهید عدالت بکنید، می خواهید اصلاح معاش مردم را بکنید، می خواهید عمران در مملکت بکنید، می خواهید تولید زیاد شود، سطح زندگی مردم بالا برود، آقای آشتیانی زاده فرمودند که تمام اهالی دارای ملک باشند صبح هم هست ما باید برویم رو باین منظور ولی از راهش مادستگاه می خولیم، تأسیسات می خواهیم (صحیح است) بالاخره بعرف که نیست، بسا اوقات که یک حرفهای خیلی عالی و یک حرفهای خیلی خیر خواهانهای می بینید که چون مبانی عملیش حاضر نیست بعکس نتیجه میدهد همان زارع و دهقانی که دلمان برایش میسوزد یک تصمیم بی موردی اگر بگیریم، بایک کاری که زمینه اش مهیا نیست اگر دست بزنیم کار بدتر میشود، بدبخت تر می شود (صحیح است) شده است در این مملکت و دیده ایم بنا بر این عقیده بنده اینست که برویم رویه مثبتی را بگیریم، برویم روی اساس همکاری بکنیم، همکاری بکنیم، دلسوزی بکنیم برای مصالح عاله مملکت و بالاخره یک دستگاهی درست بکنیم، بنده قول میدهم اگر فرض بفرمائید مقرر بشود که این بر بخورد بمعاش مستخدمین، یا عده آنها کم بشود این نگرانی ها را نباید داشت بعضی دواثرمان زانداست باید منحل کرد، بعضی را لازم داریم که نداریم، آنها را باید ایجاد کرد برای جواب دادن با احتیاجات مملکت تشکیلاتی لازم داریم، ما تشکیلات و لا تا مان خیلی ناقص است (صحیح است) مملکت که فقط تهران نیست (صحیح است) باید بدرد اینجا برسد، یک ثابت می خواهند باید از تهران برود، یک فراش می خواهند باید از تهران برود، کوزه آب خوردن می خواهند باید از تهران برود، یک قدری افراق می گویم، درد

مملکت اینهاست ما باید یک تشکیلات بقاعده و مناسب برای احتیاجات مللی بدهیم، ما می خواهیم از تهران در تمام جزئیات زندگی مردم داخله بکنیم می خواهند گل یک که چه ای را یک بکنند در یک شهری می گویند اداره شهرداری های وزارت کشور باید تصویب بکنند، این مسخره است نباید اینطور باشد باید ما یک تشکیلات دقیق و صحیح برای احتیاجات مردم بگذاریم در استان ها و در شهرستانها بقدری که بتوانند اداره بکنند و اسباب رفاهشان باشد انجمنهایی داشته باشیم استانداران و فرمانداران لایقی هم داشته باشیم (شوشتی) یعنی ایجاد اختلاف نکنند (نه آقا اظهار بدبینی نکنید بنده میگویم استانداران و فرمانداران یعنی یک اشخاصی که واجد صلاحیت اینکار باشند ما را بکار داریم در رأس تشکیلات این استانها و شهرستانها که مراقبت بکنند که مردم راحت باشند و کارهایشان سهل و سریع بگردد هر چیز ناچیزی محتاج بر اجعه بهزار مقامات نباشند بالاخره در دولت مرکزی وزیر فرصت داشته باشد از جزئیات در بیاید دولت ایران بدبختانه اصلا فرصت ندارد بکارهای اساسیش برسد گرفتار جزئیات است کاغذهایی باید بخواند حرفهایی باید گوش بدهد که ابدأ کار خودش نیست اینرا باید دستگاههایی باشد که اصلا بعضی هایش درمرکز نیاید و اگر درمرکز هم هست در دوائر مخصوص خودش باید طی شود مطابق یک مبنائی (صحیح است) نه هر که هر که باشد آنرا هم من عقیده ندارم باید مقررات و موازینی در کار باشد آنوقت ما میتوانیم بگوئیم امیدواریم بکار کردن حالا بعضی از آقایان شاید بگویند که از نامه این آقایان نمی بینم که کاری انجام بدهند اول کارش را در نظر بگیریم میزان کار را در نظر بگیریم میزان احتیاجات را در نظر بگیریم آنوقت شخص می آید شخص باید متناسب باشد و جواب آن احتیاج را بدهد اگر توانست نگهش میدارد اگر نتوانست مرخصی شود این دعوا ندارد بنظر من بایستی که فکر را بلندتر کرد باید اتفاق را دو تردید از این جزئیات خودتان را خلاص بکنید صحبت شخصی کمتر شود برویم روی اساس (صحیح است) برویم روی اساس و خواهید دید که میتوانیم هم طرزش را بلدیم هم قوه اش را الحمد لله داریم پادشاه محبوبی داریم که حامی ماست (صحیح است) اول قانداصلاح است که بکست که بیشتر از ایشان فریاد اصلاح بزنند خوب دور ایشان جمع بشویم برویم روی اساسی ایشان را هم گنج نکنیم، مضطر نکنیم، من بسم خود اینکار را میکنم، من بسم خودم آنچه را که تشخصی دادم که درد این مملکت است و آن عبارتست از سازمانش، این را من نشان دادم، این حرف را کوچک نگفید، این حرف را الان هم اگر توجهی ندارید افلا تقاضا میکنم فکر بفرمائید ما باید روی مبنائی کار بکنیم بعقیده بنده وقتی که اینکار را کردید تشکیلات و اصطلاح سازمانهاش را درست کردیم، قوانین و مقررات خودمان را سهل و ساده کردیم می توانیم برویم هر کار بیج اندر بیجی را درست بکنیم (صحیح است) یکی از آمال من اینست که باید کارها سهل و ساده بشود، باید قوانین را تغییر بدهیم من آقای وزیر دادگستری گفته ام، از حالا باید مشغول باشیم که قوانینمان با این فکر منطبق بشود

قوانینمان را تغییر می دهیم قوانینمان باید مطابق احتیاجات باشد (صحیح است) این صحیح نیست، این صحیح نیست که ما نوری اطلاق بشویم، چشممان را روی هم بگذاریم و ۷۰۰ ماده قانون بنویسیم (شوشتی) (متناقض) این صحیح نیست، قانون باید مشکلی بآمار و متناسب با احتیاجات باشد تا مفید بشود، این آیین نامه ها، خروارها آیین نامه است توی این ادارات و تمام بی خود، صدی هشتاد آنها بی خود است ما باید فارغ بشویم از اینها، باید آنها را پاره کنیم دور بریزیم، این آیین نامه ها چه فایده دارد؟ گروه ها مأمورین هم برای اجرای اینها هستند، مردم از اینها خسته هستند از اینها نگرانی دارند باید مردم را خلاص کرد، مردم که بدبخت خلق نشده اند، مردم یک دردی دارند، دردشان چیست؟ بعقیده من درد مردم سوء اداره است باید مردم خوب اداره شوند آنوقت مردم کمک می شوند برای اصلاحات خودشان شرکت می کنند، کار دولت و مقامات مرکزی دولتی سهل میشود، در باب اقتصادیات و این موضوع زارعین که آقای آشتیانی زاده اظهار کردند، خوب این دو موضوع می شود چند کلمه درباره اش صحبت کرد، در برنامه ماهست ترویج خرده مالکین، منظور ایشان که میگویند چه چیز است همین فکر نیست که میگویند دهقانی هزاره ای مالک زمین بشود؟ همین است، اختلاف نظری نیست منتهی ما مطابق اصول و برنامه ای و مطابق اصول اداری باید یک وسایل و یک زمینهای فراهم بکنیم که مردم باین منظور برسند بعرف که درست نمیشود، آقا زمین بدهید یکی که لغت برود آنجا بشینند، اگر آبادی بود خراب نمیشود، نمیشود؟ پس مانقض فرض که نباید بکنیم، نقض فرض که منطقی نیست، ما باید بگوئیم چنانکه گفته ایم من در برنامه ۷ ساله هم در نظر داشتم همین عمل را می کردیم، آقا برویم روی چی؟ روی این که بنیة این زارع و دهقان را قوی بکنیم (صحیح است) تقویت بنیة بکنیم آنهم چه جور؟ آنهم از دو طریق، از یک طرف اقتصاد عمومی را اصلاح بکنیم برای اینکه خرج زندگی این ارزان بشود از طرف دیگر یک تأسیساتی بکنیم یک وسایلی فراهم بیآوریم برای اینکه نتیجه زحمت این زارع بیشتر شود بنده بیخشد فرصت نکردم این یادداشتها را بخوانم، همه تقاضا کردند که کمتر حرف بزنم (خنده نمایندگان) معلوم میشود که حرفهای من خیلی، و اثر است (شوشتی) هر چقدر بیشتر بفرمائید بهتر است برای اینکه اتخاذ میگویم ولی مختصر میگویم، اولاً این خرج زندگی امروز گرانست (صحیح است) ثانیاً بآن اندازه که زحمت میکشد آقای شوشتی بیخشد را ماندنانش کم است (خنده نمایندگان) یعنی حاصل زحمتش متناسب بآن زندگی نیست (شوشتی) — الحمد لله فارسی هم دارد) خوب ما یک رشته کارهای اقتصادی باید بکنیم اینهم زمینه خیلی وسیعی دارد، آقای شوشتی بایستی که صادران و وارداتمان، تولیدمان، عملیات همانان همه دست بدست هم بدهند، یک کلمه بگویم زندگی باین پیاید، اینکه درست نیست، وقتی که

شما میگوئید اقتصاد، این بیست رشته است، وقتی که میگوئید کشاورزی را اصلاح کنید پنجاه رشته کار باید بکنند میگوئید تراکتور را ببندازید روی زمین راه میروید و کار درست میشود اینطور نیست چهل پنجاه رشته کار باید بشود تا کشاورزی درست بشود پس این زارع از یک طرف خرج زندگی گش گرانست از یک طرف ماحصل زحمتش کم است، خرج زندگی از راه اصلاح اقتصادیات و این رشته هایی که عرض کردم باید ارزان شود، ماحصل کارش چطور؟ من همه اش را را باقیای شوشتی عرض کردم، خوب آقای آشتیانی زاده ماحصل زندگی را چه جور بالا ببریم؟ باید تأسیسات بکنیم، آبیاری، دفع آفات، دامداری دفع آفات دام، کود، استعمال ماشین، بهداشت، فرهنگ، اینها همه باید با هم باشند تا اینکه آن زحمتی که یک زارع میکشد اولاً جان داشته باشد، انرژی داشته باشد یعنی قوه داشته باشد (فقه زاده) — یک چیز را فراموش فرمودید، کمک بانک کشاورزی هم باید باشد اینها جزئی است شرکت های تعاونی و تأسیسات دیگر هم هست (شوشتی) دفع خرما و برین هم هست (البته وقتی که آن زارع بیچاره در یک زمین کار کرد که قرنها این زمین را درش زراعت کرده اند، این زمین پیر شده است، بداندی لایضی ایران اغلب از قوت افتاده، چرا؟ بجهت اینکه می از آن گرفته و کود نداده اند آخر باید کود بدهند باین زمین، ماشین و آبش هم مرتب باشد آنوقت این زارع که از اول سال تا آخر سال زحمت میکشد و برحمت پنج شش خروار آلی ده خروار غله عایدش میشود که نااش را بزحمت میخورد این میشود ده برابر این و بنه اش بالا میروید درست است، آنوقت شعبه های بانک کشاورزی دم دستش است، شرکت های تعاونی دم دستش است، تأسیساتی که مایحتاج این را ارزان میفروشد و محصولش را مناسب میخرد، عادلانه میخرد، اینها دست بهم میدهند، این زارع دارای ملک میشود، یک چیز دیگری هم بگویم و آن اینست که اهالی مملکت متناسب بضاعت و استطاعت و عایداتشان باید مالیات بدهند (صحیح است) اگر یک کسی مالک خیلی زیاد و گراف داشت مالیات تصاعدی بدهد آقا (صحیح است) بدهد، آنوقت بالاخره قانع میشوند باینکه بقدر لازم نگهدارند، آقایی که بتوانند آباد کنند نگهدارند مگر انسان بیشتر از احتیاجات یک نفر می خواهد، یک انسان چه لازم دارد؟ این هوی و وهوسها چیست؟ باید هر کس بقدری که احتیاج دارد و لازم دارد ذخیره کند، یک نفر انسان میتواند بقدر پنج نفر بخورد؟ نه پس می خواهد چه بکند؟ بالاخره باید یک اصول عدالت اجتماعی برقرار بشود، آنوقت آقای آشتیانی زاده خواهند دید اینقدر هم جوش لازم نیست البته وقتی که کار افتاد و وی یک مبنای صحیح دعوا هم لازم ندارد بنده می توانستم در جزئیات مطالبی که آقایان فرمودند صحبت بکنم چون یادداشت هایی که رسیده مخصوصاً راجع به برنامه هفت ساله این برنامه هفت ساله را تقویت کنید این برنامه هفت ساله یک چیز تازه ای است این چیزی است که سابقه عمل در این مملکت نداشته توی

ذهنتان نخورد می آیند میگویند آقایان صد میلیون تومان پول گرفته اند پلی صد میلیون کم است باید با صد میلیون گرفت حسابش را نگاه کنید اما متأسفانه وقتی صورت حسابش را هم میدهند باز آنرا نمی خواهند و می گویند پول کوه این اثر تبلیغاتی است و اینجا هم یک ماده برنامه است که باید این حس بدبینی و این حس یأس را از خودمان دور کنیم و این حس یک مقداری با ایجاد طرز عمل صحیح و اقدامات اصلاحی رفع میشود و یک مقداری هم این گراف کوئی ها و این نوحه خوانی ها و این هارا همه مان باید با آن مبارزه کنیم تا یک کسی گریه میکند باید گفت چیست دردت را بگو، شکایت چیست؟ می گوید اینطور کردند آنطور کردند ممکن است بعضی هایش درست باشد دوتایش صحیح باشد هشت تایش هم افراق است اینها را وقتی که با هم دیگر توأم کردیم همه را در نظر گرفتیم انشاء الله بخواست خدا و در ظل توجهات اعلیحضرت همایونی و نبات اصلاح طلبانه ایشان و سعی و مجاهدت و همکاری همه آقایان و خدمت گذاری ما همه چیز درست میشود (انشاء الله انشاء الله) (نمایندگان رای، رای)

نایب رئیس — پیشاهاد در باب کفایت مذاکرات رسیده است قرائت میشود

(شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می نمایم بعد از ختم مذاکرات آقایان مخالفین بکفایت مذاکرات رای گرفته شود

ملک مدنی — در همین زمینه آقای نبوی، آقای ارباب، آقای حبیب پناهی و دکتر سید امامی و آقای اسلامی پیشنهادهایی دادند

نایب رئیس — آقای ملک مدنی

ملک مدنی — با توضیحاتی که بطور کافی جناب آقای نعت وزیر دادند بنده خیال میکنم که همه آقایان معتقد شده اند که دولت جدید که بریاست آقای منصور الملك تشکیل شده است یک دولتی است که قصد دارد از مرحله حرف خارج شود و بر مرحله عمل وارد بشود (صحیح است) و همه ما هم خرابیها و آشفتگی کشور را می دانیم و طبقات مستمند و بی نوارا هم می دانیم در زحمت هستند ولی دوی این آشفتگی و بهودی اوضاع کشور اینست که یک دولت توانا و شایسته را مجلس شورای ملی تقویت بکند و هر چه زود تر بر نامه دولت را تصویب بکند و منتظر بشود که او در مقام کار و عمل بیاید (صحیح است) بنده خیال می کنم الان تکلیف مجلس شورای ملی و آقایان نمایندگان که همه به بهودی اوضاع علاقمند هستند این است که ما بر نامه دولت را تصویب بکنیم و رأی اعتماد بدهیم و دولت را مشغول کار بکنیم و منتظر نتیجه اعمال و رفتار دولت با همیم (صحیح است) و غیر از این امروز ما وظیفه ای نداریم زیرا ما امروز باشتفتگی و خرابی اوضاع کاملاً واقف هستیم و یقین داریم که ییازی خدای متعال دولت جناب آقای منصور هم توفیق حاصل می کند (انشاء الله) زیرا بنده احساس می کنم که تقریباً اکثریت نزدیک با اتفاق مجلس

شورای ملی احساس کرده است که کشور احتیاج دارد که يك دولت قوی روی کار باشد و دولت رایشتمانی کنند و افکار عمومی متوجه باین نکته است که این دولت يك دولت توانمندی است و بنده این جمله را اینجا لازم میدانم عرض کنم که آقای منصور الملك در عمل نشان دادند در مواقعی هم که وسیله عمل بر ایشان فراهم نبوده است بایشانکار و نیروی هز می که دارند توفیقاتی بدست آورده اند فراموش نباید بکنیم موقعی که کشور ما آشفته گئی هائی داشت ایشان استاندار خراسان شدند و موقعی بود که کوچکترین وسیله هم آنجا موجود نبود آقایان نمایندگان خراسان همه حاضر هستند آنجا هم بدتر از آذربایجان بود همان تحریکات در آن استان هم بوجود آمده تدبیر و نیروی ایشان آن آشفته گئی را خاموش کردند نگذاشت نظایر قضایای آذربایجان بوجود بیاید و بعقیده بنده این بزرگترین سند موفقیت آتیه این دولت است که اینجا با همکاری سایر آقایان وزرائی که هم در جای خودشان بعقیده بنده شایسته هستند انشاء الله توفیقی حاصل بشود و بنده يك جمله می خواهم عرض بکنم که عقیده خودم بود و این است که ضمن همه این مطالبی که فرمودند گرچه بمدالت اجتماعی هم توجه فرمودند و معنای این عرض بنده را دارد بعقیده بنده يك قسمت عدم موفقیت های دولتهای گذشته عدم مراعات قوانین و مراعات نکردن آزادی بود امیدوارم که بیاری خداوند متعال چون در سال نو هستیم و يك دولت نوهم آمده است يك قدم های نوی برداشته شود و دولت جناب آقای منصور قوانین را اجرا خواهند کرد و با آزادی احترام خواهند گذاشت.

نایب رئیس - آقای دهقان

دهقان - بنده وقتی که آقای ملک مسدنی پیشنهادشان را دادند همانجا ثبت اسم کردم که حق کسی تضییع نشود و مقصودم هم از شرفیابی اینجا اظهار تاسف از فرمایشات آقای آشتیانی زاده نسبت بمجلس شورای ملی است. آقای آشتیانی زاده با این اظهارات خلاف حقیقت خودشان مجلس را تضعیف می کنند در حالیکه مجلس شورای ملی بتمام فرمایشات ایشان که بعضی هایش هم خلاف حقیقت بود با کمال سکرت گوش داد که بگوید من آزادی را مراعات می کنم و مانع صحبت هیچکس هم نیستم. آقای آشتیانی زاده باید بدانند که مجلس شورای ملی مخالف آزادی که نیست مدافع آزادی هم هست (امامی خوئی - مظهر آزادی هم هست) و میخواستم از ایشان استدعا بکنم که این صحبت های غلطی که

موجب سوء تفاهم می شود و موجب تضعیف مجلس در خارج میشود نکنند و يك کلمه هم در خاتمه عرض میکنم که ایشان در آن دفعه گفتند که اعلیحضرت همایونی فرمودند القاء مالکیت در صورتیکه امروز خودشان فرمودند تعهد مالکیت و وقتی فرمایشات اعلیحضرت همایونی را خواندید معلوم شد عرضی که آن روز کردم درست بوده است (صحیح است) و مخالفت خودم را پس بکنم.

نایب رئیس - رأی میکنیم بکفایت مذاکرات آقایانی که موافقت قیام کنند

(اکثر برخاستند) تصویب شد رأی اعتمادی.

گیریم بدولت آقایانی که موافقت بایست و رفته سفید بدهند و مخالفین ورقه کبود و مطابق آتین نامه جدید آقایان باید نقیاً یا اثباتاً اظهار نظر کنند و منتع معنی ندارد.

(اخذ آراء بعمل آمد)

اسامی رأی دهندگان - آقایان:

* پالیزی - زنک - صدری - اردلان - دکتر مجتهدی مجتهدی - مکرمرقیع - کشاورز صدر - بهادری - بودا قیام تیمورتاش - غلامرضا فولادوند - دکتر طباح حکیمی دکتر مصباح زاده - اورنگ - شهاب خسروانی - محمدعلی مسعودی - دولتشاهی - اکبر - ابوالقاسم امینی - امامی اهری گنجی - ناصر ذوالفقاری - دکتر امامی - غضنفری - حمیدیه - ملک مدنی گودرزی - افشار - دکتر جلالی - اسلامی - ابتهاج - سلطان العلماء - پیراسته - نبوی - گنابادی - مهدی ازباب - افشار - رضوی - عماد تربتی - حاذقی - دکتر نبوی - بزرگنیا - کهید - فولادوند ناظرزاده - طاهری - قریشی - مهدوی - اسکندری نقه الاسلامی - موسوی - عباسی - آصف - فقیه زاده فرامرزی - صاحب جمع - قبادیان - صفائی دکتر کاسمی - ظفری - تولیت - گرگانی - عرب شیبانی - دکتر علوی - امیری - قراگوزلو - سالار بهزادی - دولت آبادی - دکتر طاهری - دکتر کیان - مغیر فرهمند - موقر - حامری امامی خوئی شکرانی - علی محمد دهقان - هراتی - صدرزاده - اقبال - احمد دهقان - دکتر معظمی

نایب رئیس - موقعی که بنده اعلام رأی کردم عده حاضر ۸۵ نفر بوده ۸۵ رأی داده شده است بنابراین باتفاق آراء وای اعتماد بدولت داده شد. آقای نخست وزیر

نخست وزیر - بنده از صمیم قلب از حسن توجه آقایان و حسن ظنی که بر من فرمودند نسبت بخدمت - گوازی بنده تشکر میکنم و این جهت اتفاق که آقایان بر من فرمودند برای من فوق العاده گرانبها و ذی قیمت است و همیشه قدر دان خواهم بود در عین حال باید عرض کنم که وظیفه بنده راهم خیلی سنگین تر بکنند (صحیح است) البته قلباً مایل بخدمتگزاری هستم و می توانم عرض بکنم يك دقیقه ای از دقائق زندگایم را کسر نمی گذارم در انجام خدمت آتقدیری که می توانم و اینرا اطمینان میدهم و ضمناً خاطر آقایان را هم متوجه میدارم بسنگینی بار مسئولیت که به دوش بنده است مدغمم با این ابراز اعتماد متفقی که فرموده اند در نظر بگیرند که باید با بنده و برای انجام خدماتی که بعهد گرفته ام خیلی همراهی کرد و خیلی انتظار دارم از آقایان در هر قسمت از قسمت های امور از همکاری و همکاری و تشریک مساعی این هم تمنای بنده است از آقایان در ضمن تشکری که عرض میکنم. البته امیدوار هستم با توجهات خاص اعلیحضرت همایونی که حقیقتاً از صمیم قلب مایل هستم بخدمتگزاری نسبت بایشان و اجرای نیات اصلاح طلبانه ایشان و با این افکار خیر خواهانه مجلس شورای ملی و همینطور امیدوارم مجلس سنا مجلسین ما البته هر دو طرفدار اصلاح و اقدام هستند برای اینکه مملکت احتیاج فوق العاده مبرم و سریع دارد که حتی یکساعت و حتی یک دقیقه را ما نباید تلف بکنیم و باید صرف کارهای مفید بکنیم (انشاء الله) طوری باشد که در پیشگاه ملت هم ما با پیشانی باز بتوانیم خود نمائی بکنیم یعنی ابراز وجود بکنیم و خدماتی انجام بدهیم که صلاح و خیر جامعه و ملت محبوبان باشد (صحیح است) (احسن)

۴- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه

نایب رئیس - همانطوری که بنده در حضور اعلیحضرت همایونی عرض کردم مجلس تصمیم قاطع دارد که متعده کار بکنند (صحیح است) و امروز هم این قسمت عمل ثابت شد و امیدوارم که دولت با اعمال اصلاح طلبانه خود این اتحاد و اتفاق ما را نگاه بدارند بنابراین با انتظار باعمال دولت جلسه را ختم می کنیم. جلسه آتیه برای روز یکشنبه ساعت ۹ و چون یکشنبه ای از آقایان هم مطالب فوری داشتند و در جلسه امروز عرض ترسانند این است که روز یکشنبه نوبت آقایان محفوظ خواهد ماند.

(مجلس يك ساعت و ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد.)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - دکتر معظمی